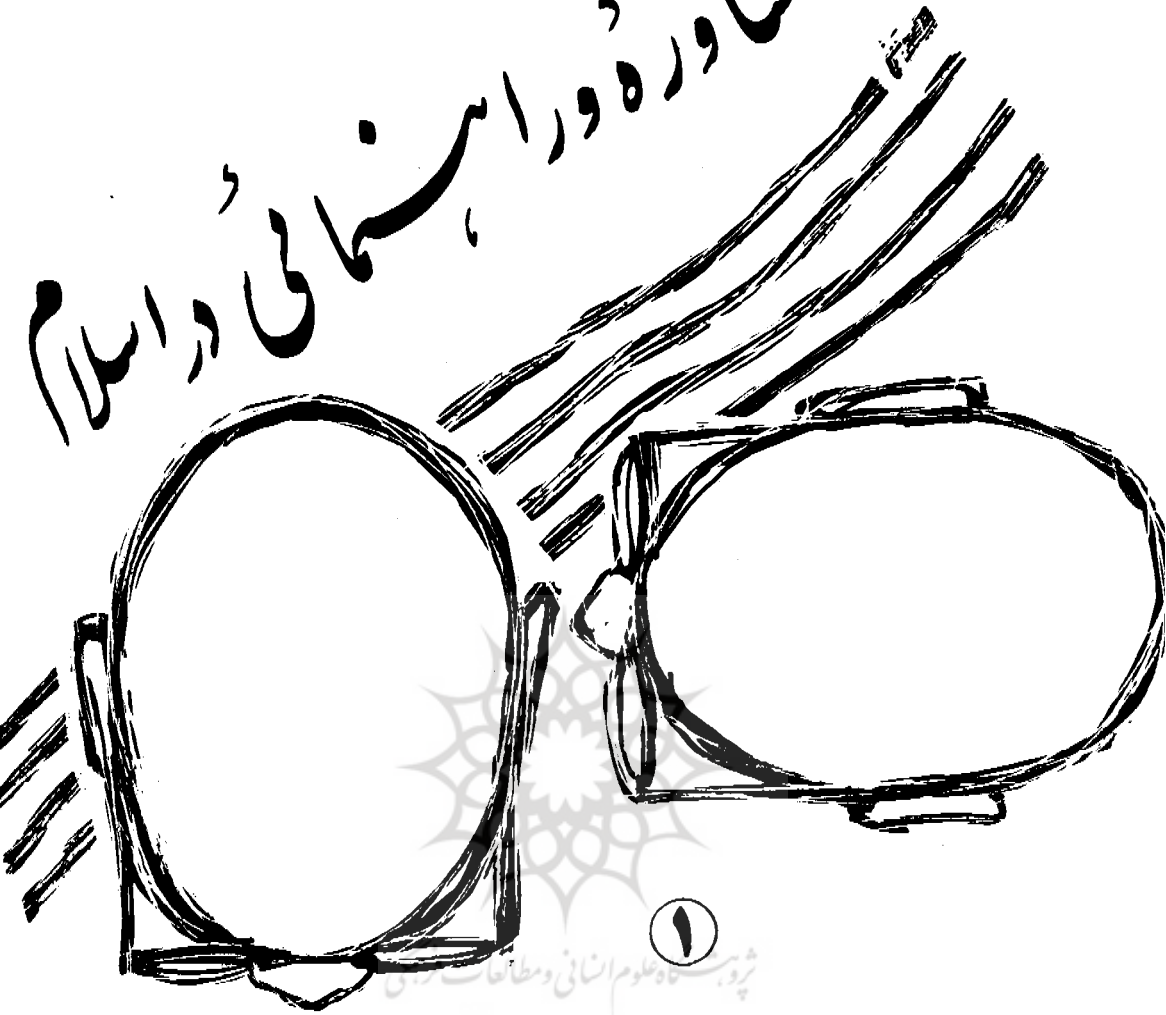


مشاوره و راهنمایی در اسلام



۱

مفهوم مشاوره

"مشاوره" از ریشه "شور" (آشکارسازی چیزی) است. از لحاظ اصطلاح و مفهوم، "جریانی است که در آن مستشیر (مراجع) برای آشکار شدن مورد ویژه‌ای، بامشاور از طریق روشها و فنون بخصوصی برحسب اقتضاء به فعالیت هدفمند و مشخصی مبادرت می‌ورزد."

دفتر مشاوره و راهنمایی سازمان ملی پرورش استعداد های درخشان

در این بحث عناصر عمده تعریف یعنی هدفها، موارد، ویژگی‌های مستشیر، خصوصیات مشاور، روشها، فنون و نیز مراحل مشاوره تحت بررسی قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که در این جا مشاوره به معنای وسیع آن، شامل راهنمایی و مراقبت نیز می‌گردد.

ضرورت و اهمیت مشاوره

باتوجه به هدفهای اساسی و غائی مشاوره و راهنمایی می توان به لزوم و ضرورت آن پی برد. اهم این هدفها برشمرده می شود:

۱- کسب محبت الهی

بنیادی ترین غایت مشاوره و راهنمایی، به دست آوردن محبوبیت از سوی حق تعالی است زیرا مشاوره در امور دین موجب رضا، خشنودی و محبت الهی است.

از سوی دیگر نیاز فطری افراد بشر به هدایت، دلالت برگسترده گی و عمومیت امر مشاوره دارد. هر فرد از افراد آدمی درباره امری از امور محتاج عزم و تصمیم گیری است و در جهت راسخ شدن تصمیم و عزم خویش ناچار باید به مشاوره بنا. مراجع ذی صلاح بپردازد. بنابراین برای افراد بشر، گریزی از مشاوره و کسب راهنمایی نیست.

۲- اقتداء به معصومین علیهم السلام

به جهت اسوه بودن اهل عصمت و طهارت علیهم السلام برای کلیه انسانها، اقتداء و تاسی به سنن و روشهای آن بزرگواران، ضرورت دارد و امر مشاوره یکی از سیره های بسیار مؤکد پیشوایان دین بوده است، گرچه حضرات معصومین سلام الله علیهم اجمعین نیازی به کسب آراء و نظریات و به طور کلی مشاوره با دیگران نداشتند.

۳- کسب آگاهی و تجربه

افزایش وسعت دایره اطلاعات، آگاهیها و

شناخت ها نسبت به حقایق امور مورد مشاوره یکی از مهمترین هدفهای مشاوره را تشکیل می دهد. شناخت حقیقی نسبت به امور و کسب تجربیات و عبرت گیری از آنها، آدمی را از شک و تردید رهایی بخشیده، به قطع و یقین رهنمون می شود.

لذا مشاوره نوعی تعلم و یادگیری است و این بند شامل کلیه هدفهای علم، تعلم و تعلیم می گردد.

۴- تشخیص

تمیز و تشخیص صلاح و فساد، صواب و خطا و حق و باطل امور به منظور اتخاذ خط مشی های واقع گرایانه و عادلانه درباره پدیده های گوناگون، هدف اساسی مشاوره است.

بنابراین مشاوره توانایی و قدرت فرد مراجع (مستشیر) را در سنجش، ارزشیابی و قضاوت و نقد امور افزایش می دهد و او را به سوی راهی و تصمیم صائب و صالح رهنمون می گردد. به بیان دیگر عقل های افراد بشر به وسیله مشاوره و همیاری و تعاون، همچون چراغهایی نورانی درخشان تر، روشن تر و با فروغ تر می شوند. در مشاوره افق های جدیدتری برای مستشیر باز می گردد که قبلاً از نظر وی پنهان بود است. عواقب و سرانجامهای جریان امور مورد ارزیابی و نقد قرار می گیرند که فرد را از ندامت و پشیمانی مصون می دارد.

بنابراین گرچه تفاوت های عقلی در میان آدمیان وجود دارد و برخی بر دیگران فضیلت عقلی دارند، اما حتی آنان نیز از مشاوره با افراد دیگر، بی نیاز و مستغنی نیستند.

از هدفهای اساسی مشاوره و راهنمایی و شاید از مهمترین آنها، کسب ارشاد و هدایت به معنای وسیع کلمه است. نیل به سعادت، نجات، نجات، توفیق در امور و حفظ و صیانت دین به وسیله مشاوره تحقق می یابد و هر یک از این مفاهیم مقدس ارزشمند، خود برای بیان اهمیت مشاوره و ضرورت آن بخوبی کفایت می کند.

پیروی و تبعیت از مرجع ذی صلاح هدایت، که اسوه و مقتدای انسان برای ارشاد است، بدون مشاوره و کسب راهنمایی میسر نیست.

موارد مشاوره و راهنمایی

برطبق اهداف غائی مشاوره، می توان بسادگی دریافت که موارد و موضوعات مشاوره را "اموردینی" (در برابر اموردنیوی) تشکیل می دهند، زیرا درباره امور دنیوی که به دین و مذهب ربط نمی یابند و آدمی در برابر آنها مسؤلیتی اخروی ندارد فرمان و دستوری از طرف شرع مقدس، به تفکر و مشاوره صادر نگردیده است و برعکس، امر به ترک آنها شده است. بنابراین در تقسیم بندی کلی "امور دینی" حوادث، وقایع و مسائل مربوطه را در سه حیطه می توان مورد اشاره قرار داد:

۱- مسائل اعتقادی

کلیه مشکلات، شبهات و مسائلی که از جنبه شناختی و اعتقادی و باورهای اصولی مذهب (توحید، رسالت، امامت، معاد و عدل) مطرح می شوند یکی از موارد اساسی مشاوره محسوب

۲- مسائل اخلاقی

مشکلات و اختلالات مربوط به ویژگیهای شخصیتی انسان و مسائل پرورشی، اخلاقی و تربیتی دومین موضوع اساسی مشاوره است.

۳- مسائل رفتاری

نایسانانیهایی که در بعد الگوهای رفتاری انسان مشاهده می شود، بخش عظیمی از مسائل عملی مشاوره را به خود اختصاص می دهد.

این ناسازگاریها و نابهنجاریهای رفتاری کلیه خط مشی ها و جنبه های اجرایی و عملی در تمامی طبقه بندی الگوهای رفتاری را در برمی گیرد. شایسته است به عنوان اسوه و الگو به یکی از موارد و موضوعات اساسی مشاوره اشاره شود:

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از قتل عثمان که برمسند خلافت متمکن گردید، حضرت امام حسن علیه السلام و جناب سلمان و عبدالله بن عباس و یکی دیگر از اصحاب کبار را نشانیدند و در باب معاویه و عزل و نصب او مشورت فرمودند عبدالله بن عباس عرض کرد که هرگاه تاءمل فرمایید تا آن که امر خلافت قوامی به هم رساند آن وقت او را عزل فرمایید دیگر مخالفت نتواند کردن، و حال هرگاه حکم به عزل او نمایید البته مخالفت خواهد نمود، حضرت از ساینترین استفسار فرمود که چه مصلحت می دانید؟ ایشان عرض کردند: حق جل و علا و خلیفه اوداناتر است، حضرت فرمود: اگر امروز که اول خلافت من است معاویه را عزل نکنم آنچه احکام خلاف از او صادر شود، و ائتلاف در اموال و نفوس نماید

خیر و شر و حق و باطل موارد را بخوبی بشناسد و بمحدودیت ها ، موانع و مشکلات راه و طریق مشاوره و راهنمایی وقوف کامل داشته باشد .

جهل و ناآگاهی و نادانی فردی که مسوؤ ولایت امر مشاوره را به عهده دارد در هر یک از عناصر مذکور ، موجب سقوط ، تباهی و هلاکت مستشیر می شود . لذا برای مشاوره اشراف و تسلط شناختی بر کلیه عناصر ذی ربط مشاوره الزامی است .

۲- توانایی مشاوره

مشاور علاوه بر شناخت کافی از موارد فوق ضروری است توانایی کاربرد مقتضی روشهای تشخیص و طرق گوناگون راهنمایی را احراز نموده باشد . ضمن این که باید از قدرت ایجاد ارتباط با مراجعین برخوردار باشد .

بنابراین توانایی رهبری جریان مشاوره بر حسب اقتضاء برای فردی که مسوؤ ولایت این امر را بر عهده گرفته ، الزامی است . اقتضاء رانقش مشاور و مستشیر در جریان مشاوره تعیین می کند .

برگردن من خواهد بود ، و بعد که خواهم اورا عزل کنم حجت خواهد نمود که اگر من فاسق بودم چرا تصدیق بر حکومت من کردید و اگر عادل بودم چرا حال ، مرا عزل می کنید ؟

هر قدر عبدالله بن عباس اصرار کرد که هنوز امر خلافت قوت نگرفته و معاویه مخالفت خواهد نمود و باعث خرابی کلی می شود ، حضرت فرمود : تکلیف الهی این است که فاسق را داخل در امور مؤمنین نباید نمود و من به ملاحظه امور ظاهر خلاف حکم الهی را نخواهم نمود . (۱)

ویژگیهای مشاور

برای فرد مشاور خصوصیات و خود دارد که موفقیت در جریان مشاوره و راهنمایی وابسته به حصول این ویژگیهاست . رسوخ خصوصیات مورد نظر به صورت ملکات شخصیت (و نه حالات بطنی و زود گذر) باید لحاظ شود .

۱- شناخت

آگاهی و اطلاع کافی از اصول مشاوره ، جریان تشخیص و سنجش ، ویژگیهای مستشیر (مراجع) خصوصیات شخصیت آدمی ، طبقه بندی آن و دوران تحول شخصیت ، اصول راهنمایی و روشهای گوناگون آن ، تسهیلات و امکانات لازم مشاوره و بطور کلی سایر مراحل مشاوره مانند ایجاد ارتباط و مراقبت ضرورت دارد .

همچنین شناخت موارد اساسی مشاوره یعنی مسائل و موضوعات اعتقادی (شناختنی) شخصیتی و رفتاری برای مشاور جزو اصول اولیه و ابتدایی است . یعنی شخص مشاور صلاح و فساد

۳- تجربه

شناسایی دقیق موارد مشاوره ، برای مشورت کفایت نمی کند ، بلکه گذراندن یک دوره تجربه عملی و فعالیت مؤثر و مثبت در موضوع مورد مشاوره ، ضروری است . موضوع مورد مشاوره همان طور که بیان شد می تواند یکی از موارد سگانه مشاوره باشد .

اساساً بدون تجربه کافی و فعالیت آزمایشی امر راهنمایی تحقق نمی یابد . مدت زمان این دوره عملی ، بستگی به نوع مسأله و روش مشاوره

و نیز ویژگیهای مستشیر (مراجع) و شرایط و مقتضیات مکانی - زمانی مشاوره دارد .
بی تردید یکی از طرق ارزیابی تجربیات افراد ، بررسی آراء و نظریات موردی آنهاست .

۴ - اخلاص

پاکی ، صداقت و تدبیر مشاور از ویژگیهای اولیه وی محسوب می شود .
اخلاص مشاور اقتضا دارد که رابطه مشاور و مستشیر براساس اخوت و شفقت استوار باشد علاوه برآن نگهداری رازها و کتمان اسرار مستشیر که برای شخص وی حائز اهمیت فراوانی است لازمه اخلاص است .

اعمال خلوص مشاور ، مستقیماً "جریان مشاوره را در مسیر صحیح و رشد دهنده ، جهت می بخشد که بی تردید چنین طریقی توفیق رادری خواهد داشت . همان گونه که خیانت و اعمال آلاش های گوناگون یا غرض ورزی های خاص راء ی صائب و نظر صالح و تدبیر مشاور را از بین برده ، جریان مشاوره و راهنمایی را باشک روبرو خواهد نمود .

به سخن کوتاه ، اخلاص و صداقت مشاور اشاره دارد به این که هرگاه وی شخصاً " دچار مشکل مشابه می شد همان گونه عمل می کرد که اکنون راء ی می دهد .

۵ - تقوی

"تقوی" مشتق از "وقی" است و به معنی پرهیز و نگهداری خویش از محارم و مهالک است .
برای تقوی مراتبی وجود دارد . اول : تقوای بدنی از محرّمات و معاصی . دوم : تقوای نفسانی از رذایل صفات ذمیمه . سوم : تقوای

عقلی از شبهات و شکوک و همیه باطلیه . چهارم : تقوای قلبی از تعلقات به امور پست دنیوی . پنجم : تقوای روحانی از محبت به غیر حق تعالی . ششم : تقوای سری از مشاهده غیر خداوند . پس هرگاه انسان به جهت تطهیر بدن از ناپاکیهای گناهان و محرّمات تقوی ورزید ، نور تقوی متوجه نفس او خواهد شد ، و هرگاه تقوای نفسانی از رذائل نفسانی حاصل نمود و جهد و کوشش کامل مبذول داشت ، نور تقوی متوجه عقل او می گردد . و بالاخره هرگاه تقوای عملی از شبهات حاصل آمد تقوای قلب را نتیجه می دهد و آن نیز منجر به تقوای روحانی می شود .
بنابراین نور تقوی عام است و جمیع مراتب ظاهر و باطن انسانی را شامل می گردد .

ویژگی تقوی در مشاور سبب می شود که آدمی به عنوان مرجع اطمینان و محل و ملجاء امانت مستشیر به شمار آید و به منزله فردی امین ، از هوی و هوس ، حرص ، بخل ، ظلم و بی عدالتی چمن و ترس پیراسته باشد .

هریک از این خصائص ، اختلالی جدی و اساسی در جریان مشاوره به وجود آورده ، آن را با شکست مواجه می سازد . جنبه بخل ، موجب بازگرداندن مستشیر از مسیر خیر ، فضل و حق می گردد ، به این توهم که مراجع را از فقرو تنگدستی ، فلاکت و بیچارگی می هراساند .

ترس و هراس مشاور ، مستشیر را از انجام اموری که قدرت لازمه آنها را دارد ، ناتوان و ضعیف می کند .

و حرص نیز امور باطل ، فساد انگیز و ناصواب را در نظر فرد جلوه داده ، جذابیت کاذب به وجود می آورد و در نتیجه بسادگی و سهولت ، وی را در جریان شرور و زشتی ها و کژی ها قرار می دهد . موافقت با مستشیر برطبق هوی و هوس ، امیال ،

نظر حل و فصل نگردد دیر یازود ، فرد را در تنگنا ، هلاکت و نابودی قرار خواهد داد . ضمن این که وقوف بر امکان حل مشکل ، ضرورت دارد .

علاوه بر آن باید موانع انجام مشاوره از قبیل استبداد رای ، لجاجت ، سستی خرد و تلون مزاج برای بی ریزی انگیزه مشاوره رفع گردد .

۲- گزینش

تشخیص صلاحیت مشاور از حیث ویژگی‌های لازمه مشاوره ، دومین ویژگی مستشیر است . فرد مشاور باید مورد اعتماد و اطمینان مستشیر واقع شود ، بنابراین بررسی ویژگی‌های مربوطه ضرورت اساسی دارد .

برای جریان مشاوره ، فرد مشاور باید از سوی مستشیر برگزیده شود و در جهت گزینش صحیح راهی جز بررسی دقیق و اعمال بصیرت کافی در تطابق خصوصیات مطلوب مشاور و فردی که مورد شوری واقع می شود ، وجود ندارد .

۳- عزم

پس از انجام مشورت ، مستشیر باید به اخذ تصمیم بپردازد و هرگاه پیش از مشاوره ، تصمیمی وجود داشته ، عزم وی راسخ تر گردد .

ویژگی " عزم " به عنوان یک نقطه عطف مبین ثمره قطعی از جریان مشاوره است . اخذ تصمیم ، آخرین مرحله غیر عملی از مراحل استشارات را تشکیل می دهد و ادامه مشاوره منوط به تحقق این امر در مستشیر است .

خواستهای ناحق و آمال باطل ، از سوی مشاور شمراهی جز ناکامی و شکست در مشاوره در پی نخواهد داشت .

ظلم و بی عدالتی در امور به هر شکل و منوالی نکوئیده و زشت است ، بویژه در حق کسی که به مشاور اعتماد و اطمینان ورزیده است .
اساساً " چنین فردی با مشخصات نامطلوب فوق ، قادر به ایجاد ارتباط مناسب مشاوره‌ای با مستشیر نخواهد بود .

همان گونه که ذکر شد پرهیز از محرّمات و معاصی ، عنصر تفکیک ناپذیر مفهوم تقوی است .

ویژگیهای مستشیر

مستشیر یا مراجع به عنوان فردی که خواهان مشورت ، نظر و راهی مشاوره است ، برای تحقق مفهوم " استشارت " (طلب مشورت) باید ویژگی‌هایی را حاصل کند ، اهم این ویژگی‌ها را مورد اشاره قرار می دهیم :

۱- انگیزه

شکی نیست که مستشیر باید در موردی از موارد سگانه دارای مشکل و مسأله باشد ، بطوری که به مشکل خویش واقف بوده ، آگاه باشد که با مسأله‌های مشخص و حیاتی روبرو است و بایست جهت حل آن اقدام کند . پس از آن ضرورت دارد که در روی احساس ضرورت و تقویت انگیزه برای اقدام عملی و فعالیت جدی تحقق یابد .

تشدید انگیزه ، طلب و رغبت به مشاوره پس از شناخت صحیح مسأله و حیاتی بودن آن حاصل می شود ، بدین معنی که اگر مشکل مورد



مبانی رفتار کودکان

دکتر شکوه نوابی نژاد

مستعد هرگونه حمله و یاغش می باشد احتمالاً" در اونگرانی و اضطراب زیاد به وجود می آورد. کودکان دوست دارند که مطابق و مشابه کودکان دیگر باشند، ولی متأسفانه کودکان مبتلابه صرع معمولاً می دانند که با دیگران تفاوت دارند، بویژه اگر درمورد آنان رفتارهای خاصی اعمال شود مثلاً (در هنگام ورزش بدن سازی، شنا و غیره).

معلولیت‌های جسمی ممکن است اثرات بسیار عظیمی بر رفتار داشته باشند، کوچکی جثه و کوتاهی قد، کودک را نگران می سازد.

کودکان معلول نیز احتمالاً "به دلیل آن که تحت توجه و مراقبت شدید خانواده قرار دادند بسیار لوس هستند. همچنین کودکان دست و پا چلفتی به علت بد خطی و ناموزونی در ورزش اغلب به درد سر می افتند. کودکان چاق نیز مورد شوخی قرار گرفته و دیگران به آنها القاب زشت و نامطبوع می دهند. — روبرو (Trevor - Roper ۱۹۷۱) در کتاب فوق العاده جالب و عالی خود تحت عنوان " The World Through Blunted sight " دربارهٔ تأثیر دید چشم (قدرت و یا ضعف آن) در کودکان به خصوص در ارتباط با موضوع هنر می نویسد:

چشمان نزدیک بین باعث می شود که کودک در بازی و ورزش از همسالان خود عقبتر بماند و به علت نارسائی در تشخیص فواصل، به ناء نرو سینما بی میل شود، به همین دلیل او علاقه بیشتر خود را معطوف خواندن می کند، او همه چیز را می داند و این باعث می شود که معلمان از او خوشنود شده، دوستان را از دست بدهد و معمولاً " به موفقیت‌های درسی بزرگسری، در مقایسه با دوستانش، نائل شود. کودکان دور بین

کروموزومها و رفتار

ناهنجاری و اختلالات پاره‌ای از کروموزومها با اختلالات و ناهنجاریهای رفتاری همراه است که عمده‌ترین آنها نارسائیها و عقب ماندگیهای ذهنی است. جالبترین و قابل ملاحظه‌ترین نمونه آن، وجود کروموزم اضافی ۲ می باشد: تعدادی از پسران که این وضع را دارند دارای قدی بیش از اندازه بلند و رفتارهای بزهکارانه اند.

بیماریها و رفتارها

بسیار بدیهی است که ناسالم بودن فرد بر رفتارش اثر می گذارد.

بیماریهای مزمن مثل کلیت روده (اسهال حاد و مزمن) یا آسم شدید، احتمالاً " بر رفتار به گونه‌های مختلف و قابل پیش بینی تأثیر می کند، و رفتارهایی چون کاهش تحمل کار و فعالیت و ورزش، بی میلی نسبت به هرگونه تلاش و کوشش و احتمالاً " بی تفاوتی در امور ضعف در تمرکز حواس و افسردگی نتیجه آن است. بیماری صرع نیز به گونه‌های مختلفی بر رفتار مؤثر است.

داروهایی که برای درمان صرع به کار می رود بر رفتار کودک و عملکرد درسی و مدرسه‌های او همان گونه که قبلاً اشاره شد، تأثیر می گذارد. صرع مرکز گیجگاهی، گاه‌ها تغییر خلق ناگهانی و تحریک‌ننده و بدون دلیل و یا با خنده‌هایی بی مورد و یا رفتار خود به خود و اتوماتیک همراه است. آگاهی کودک به این که



به ورزش و دیگر فعالیتهای محیط باز علاقه مند ترند، این کودکان گرایش زیاد دارند که مردانه، پرخاشگر، محبوب و برونگرا باشند، در نتیجه به علت فرار از مدرسه وی-توجهی ناشی از نارسایی در نزدیکی بینی غالباً " در مدرسه به درد سر می افتند. کودک ناشوا اگر نتواند نیازهای خود را مطرح کند و یا به شیوههای غیر قابل قبول آنها را بیان و ابـراز کند، احساس شکست می نماید. (۱۹۶۸ Burton). کودکی که دارای اختلالات ویژه یادگیری است (به ویژه دیسلکسی) احتمالاً با برنامه ریزی برای فرار و پاهـر اختلال رفتاری دیگر، به مشکلاتش پاسخ می-دهد. همچنین کودک مبتلا به فلج مغزی اسپاستیک (فلجهای دو دست و دویاست که به شکل سفت جلوهگر می شود.) کودک تنهائی است که دوست یافتن را بسیار مشکل می باید.

کودک یکی یک دانه

در پرورش کودک، سختگیریهای غیر معمولی رابه کار می برند که خود موجب ایجاد ناامنی دراو می گردد.

اضطراب بیش از حد مادر ممکن است کودک را بزدل و ترسو کند، تا حدی که شدیداً " از اشتباه کردن وحشت داشته باشد. او که از رقابت خواهر و برادر محروم است (به خصوص در محیطهای روستایی) به تنهایی و گوشه گیری گرایش پیدا می کند و هنگامی که به مدرسه می رود به علت این که به داشتن همبازی عادت نکرده است، غالباً " محبوبیتی کسب نخواهد کرد. او ناگزیر است در مدرسه به گونه ای دردآور،

شخصیت کودک یکی یک دانه، تا حدودی بستگی به زمینه ها و شرایطی که او را به سمت یک دانه بوهن کشیده است، دارد. این شرایط می تواند سن مادر، بیماری، ناهنجاریهای رحم مادر (که حاملگی را خطرناک و یا غیرممکن می سازد)، و یا مرگ خواهر و برادر باشد. در این گونه موارد والدین بسیار سهل گیر و مراقبند. همچنین کودک بیش از حد مورد ستایش قرار می گیرد و چون از توجه زیاد بزرگسالان برخوردار است، بی نهایت خودرأی خواهد شد. شخصیت او تا حدودی به نوع تیپ والدین و نگرشهای آنان بستگی دارد. برخی از زن و شوهرها که از خطر لوس کردن تک فرزند آگاهند

بیشتری پیدا خواهد کرد و در سالهای بعد احتمالاً "بیش از کودکان دیگر، با قوانین درگیری خواهد داشت. او با حایه جایی از یک موقعیت مهم متعلق به کودک بزرگتر، (بخصوص اگر بین او و کودک دیگر یک کودک کوچک قرار گیرد) به شدت دچار حسادت می شود. به نخستین کودک، مسوولیت‌های بیشتری واگذار می گردد و این امر در مورد دختر، بیشتر صادق است. او معمولاً از مراقبت کردن خواهر یا برادر کوچکش، آزردده و خشمگین می شود و زمانی که سنش بالا می رود به خاطر مراقبت از خواهر یا برادر کوچکتر، گاه از مدرسه رفتن باز می ماند. در اختلافات و حوادث ناگوار، معمولاً "کودک بزرگتر است که مورد شماتت و سرزنش قرار می گیرد و از این بی عدالتی سخت ناراحت می شود. والدین انتظار دارند او از بچه‌های کوچکتر بهتر و صحیح تر رفتار کند و همیشه از این که کودکان دیگر برای عملی که او به خاطرش تنبیه شده، حتی مورد سرزنش هم قرار نمی گیرند به شدت دچار حسادت می شود. او نسبت به خواهر و برادران کوچکتر خود، کمتر گرایش به بر خاشگری دارد.

کوچکترین فرزند خانواده، به احتمال زیاد شیوه‌های گوناگون جلب توجه را می داند و به کار می گیرد. او نیز در مدرسه مشکلاتی خواهد داشت، مگر آن که "دومین کودک یک‌دانه" باشد.

نگرش همسالان

عدای از کودکان بیش از بقیه مورد آزار و اذیت همسالان واقع می شوند و از این بابت احساس خطر می کنند. بیان و ذکر عوامل درگیر

آنچه را که دیگران از خواهر و برادر خود، در خانه، آموخته‌اند، فرابگیرد. او باید بیاموزد که دیگر با روشهای خاص خود نمی تواند آنچه را می خواهد، به دست بیاورد و همچنین برای برخورداری از دوستیها، باید خود خواه نبوده در بازیها نقلاب نکند.

معلمان احتمالاً "کمتر با نافرمانی و یا اجراء نکردن دستورات، در مورد این کودکان، مواجه خواهند بود، در ضمن خوراکی خوردن برای این نوع بچه‌ها بیشتر یک عادت و سرگرمی است تا وسیله رفع گرسنگی.

یکی از همکاران من اصطلاح "دومین کودک یک دانه" را برای کودکی که سالها پس از تولد کودک قبلی به دنیا می آید، ابداع کرده است. او کودکی است ناخواسته که بر حسب تصادف غالباً "لوس و بیش از حد مورد مراقبت و توجه والدین و خواهر یا برادر بزرگتر می باشد. مشکلات او بسیار شبیه مشکلات کودک منحصر به فرد خانواده است.

کودک اول خانواده معمولاً "دارای حشامی کوچکتر از کودکان دیگر است، او زودتر از بقیه بچه‌ها به حرف می آید و این حقیقت نظیر والدینی را که معتقدند کودکان حرف زدن را بیشتر از خواهران و برادرانشان می آموزند رد می کند. آنچه مسلم است کودک بیشتر از پدر و مادر می آموزد و آنان نیز برای فرزند اول خود بیشتر وقت برای حرف زدن و کتاب خواندن دارند. بد غذایی و به اصطلاح والدین بی اشتها یا کم اشتها یا تقریباً "محدود و منحصر به اولین و یا به تنها فرزند و یا دومین کودک یک دانه است. بد خوابی در بچگی نخستین کودک و یا تنها کودک متداولتر از بقیه بچه‌هاست، و با بزرگتر شدن مشکلات رفتاری



در این قضیه، با اطمینان و اعتماد کامل، چندان ساده و آسان نیست. کودکان ممکن است به علت چاقی، زود به گریه افتادن، تندخوئی بی عرضگی، لکت زبلن، مبهم حرف زدن داشتن لهجه غیر معمول در مدرسه، شیوه غیر معمول در حرف زدن، تعلق داشتن به طبقه اجتماعی خاص و متفاوت با بقیه در مدرسه پوشیدن لباسهای غیر عادی، داشتن دندانهای جلو آمده یا ابتلا به آگزمای کودکی و... مورد آزار و تمسخر کودکان دیگر قرار گیرند، و یا این که به علت بزدلی و ترس و ناتوانی در دفاع از خود مورد استهزاء واقع شوند. برای مثال بیتت (Yeats) سالها در مدرسه بی رحمانه، آزار و تهدید می شد، زیرا به علت کمروبی، زودرنجی و مخالفتهای شدید، هرگز قادر به تلافی کردن رفتار دیگران نبود. الکساندر دومارا به علت آن که زود به گریه می افتاد مسخره می کردند. کودکان کم هوشتر معمولاً "بیشتر سربه سر کودکان باهوشتر می گذارند، بخصوص آن دسته از کودکان با هوش که پرکار و پرتلاشند و در ورزش نیز چندان ماهر نیستند.

کودکان ریز نقش به طور قابل ملاحظه‌ای مورد آزار و تمسخر واقع نمی شوند. گمان می برم احتمال اذیت کردن کودکان بسیار قد بلند به مراتب بیشتر است، بویژه اگر رشد عاطفی و ذهنی آنها کمتر از رشد جسمانی شان باشد. بچه‌ها مخصوصاً دختران، ممکن است به علت بلوغ دیررس دست آویز شوخی دیگران قرار گیرند.

کودگانی که نتوانند از خود دفاع کنند دچار احساس ترس و تهدید می شوند. این وضع اغلب در نتیجه نگرش والدین که پیوسته از هر نزاعی در خانه جلوگیری کرده‌اند و یا به علت

یکی یک دانه بودن کودک، به وجود می آید. مراقبت بسیار زیاد از کودک، اورامتقاعد می سازد که ناشایسته و ناتوان است و پیوسته باید از کمک والدین برخوردار باشد، در نتیجه هنگامی که مدرسه را آغاز می کند زندگی برایش بسیار دشوار می گردد.

اگر کودکی به طور غیر معمول زشت ، لوج چشم و گوش دراز ، چاق و غیره . . . باشد مظلومانه آماج تمسخر و تفسیرهای عاری از محبت دیگران قرار می گیرد . بسیاری از کودکان که سرنوشت از آنان افراد مشهوری ساخته است نسبت به زشتی خود ، کاملاً " وقوف و آگاهی داشته اند . گفته می شود که سقراط قیافه مسخره زشتی داشته ، چشمانش دوار هم و با فاصله و بینی اش پهن بوده و با وقار یک طعمه وحشی راه می رفته است . پدر میرابو (Mirabeau) معتقد بود پدرش بسیار زشت است و در نتیجه از جانب پدر شدیداً طرد شده بود . لئو تولستوی (Leo Tolstoy) به گونه ای درد آور ، از زشتی خود آگاه بود ، او نمی توانست باور داشته باشد که آدمی به زشتی او ، می تواند خوشبخت شود . دیگران بها و می گفتند که شکل گوریل است . چشمانی ریز و گود رفته ، پیشانی کوتاه بینی بسیار پهن فرورفته و گوشهای بسیار بزرگ از مشخصات ظاهری اش را تشکیل می داد .

وقوف او به زشتی اش تا حدی بود که روزی تصمیم به خود کشی گرفت . ترفرونوبل (Turner & Nobel) پسران زشتی بودند . آنتونی ترولوپ (Anthony Trollope) را به عنوان پسری بد ترکیب ، زشت ، بد لباس و کثیف توصیف می کردند .

طبقه اجتماعی ، فقر و محیط زیست

کوششها و تلاشهای بسیاری برای تحلیل اوضاع و ویژگی خانواده های متعلق به طبقه پائین اجتماع ، یعنی خانواده هایی که در آن فقر حاکم می باشد ، به عمل آمده است . در این جا خلاصه ای از عوامل همراه با فقر بر اساس نتایج

تحقیقات ارائه می شود .

در دوران کودکی و نوزادی

میزان بالائی از زودرس بودن ،

وزن پائین هنگام تولد ،

سقط جنین و کودک مرده به دنیا آوردن

بیشتر .

مرگ و میر بیشتر ، پیش از تولد و در دوران

کودکی ، کودکان نامشروع زیادتیر

تغذیه مصنوعی بیشتر (استفاده از شیر

خشک به جای شیر مادر)

استفاده فراوان از تقلید حرکات و ادا

در آوردن به جای حرف زدن

ناسوری و التهاب زیاد بدن در کودکان به

علت قنطاق و کهنه و پوشک ، مصرف بیسکویت و

نان بیش از اندازه

در شرایط کلی

میانگین بهره هوشی پائین تر

عملکرد مدرسه ای ضعیفتر در مقایسه با

کودگانی با همان بهره هوشی ، متعلق به طبقات

متوسط اجتماعی

وقوع بیشتر و فراوانی بالاتر :

بزهکاری

تنبیه بدنی

سیلی خوردن به علت دست زدن به آلت

تناسلی

کمروئی و قناعت دروغین

عدم کنترل ادرار ، آموزش توالی رفتن

دیرتر از معمول

چپ یا لوج بودن چشمها

نقص در صحبت کردن

مشکلات خواندن

عقب ماندگی ذهنی

تب رماتیسمی - سل

کودک یکی یک دانه	عفونت مجاری ادرار
دومین کودک یک دانه	تورم مجاری شنوایی
مادر مسن	کرم خوردگی دندان
والدین عصبی ونوروتیک: یا بیماری روانی	عفونتهای پوستی، خارش پوستی، تخم گذاری
وافسردگی والدین .	حشرات انگلی
بهره هوشی پائین دروالدین، نادانسی	کم خونی
دوران کودکی ناشاد والدین	چاقی مفرط
والدین کریا نابینا ویادارای معلولیت های	سوانح - بویزه سوختگی، جراحت
دیگر	اسهال
کودک معلول یا مبتلا به بیماریهای مزمن و	کثیف غذا خوردن
حاد	سیگار کشیدن
چاقی مفرط، کوچکی جثه	شلختگی و دست وپا چلفتگی
الگوها و نمونه های بد درخانه	عدم آینده نگری
نبودن انضباط و دیسیپلین یا دیسیپلین	بول توحیبی
خشک وشدید	دوچرخه نو (که درطبقات پایین اجتماعی
اختلافات خانوادگی: طلاق، جدائی	بیشتر دست دوم تهیه می شود)
والدین .	قد کوتا هتر
خانه ناشاد . خانواده دارای مشکل	بلوغ دیررس تر
خانواده پرجمعیت، فقر	ساعت خواب دیرتر
خانواده با وجود فقط یکی از والدین	خانواده پرجمعیت تر، فواصل سنی کمترین
جدائی طولانی از مادر درسه سال اول	بچه ها
زندگی .	کمتر عمل لوزه انجام می گیرد
مخله و محیط زندگی بد و نامطلوب	کمتر عمل ختنه انجام می گیرد
دستجات وگروه های همسن	وجود تعداد کمتری کتاب درخانه
مادری که درکتابهای روان شناسی کودک	زودتر ترک کردن خانه به قصد مدرسه
مستحیل شده است .	خطرات روانی

خلاصه

هرچند دلایلی که مشکلات رفتاری را ایجاد می کند، برای ما شناخته شده است، لکن نمی توانیم بگوییم چرا یک کودک بر اثر این علل به مشکل خاصی مثل تیک و دیگری به

این بخش عمدتاً " خلاصه و مروری بر مطالب قبلی است، عواملی که کودک را بویزه در معرض گسترش مشکلات عاطفی وهیجانی قرار می دهد به شرح زیر است .

طرد شدگی، کودک ناخواسته، کودک نامشروع



حیز دیگری باشد. ما باید تلاش کنیم و ببینیم چرا و به چه علت، این مسأله به وجود آمده است. تنبیه کردن کودک به دلیل مشکل رفتاری خاصی که به طور منطقی، قابل سرزنش نبوده، و موحد آن، وضع خانوادگی، محیط زندگی و زمینه‌های ارثی می‌باشد، بسیار احمقانه است. بالاتر از همه باید به خاطر داشته‌باشم که تمامی کودکان، والدین و معلمان، دارای مشکلات رفتاری هستند و به منظور مقابله با آن باید سعی کنیم تا مناو و زمینه‌های رفتاری آن را ساخته و درک کنیم.

شب ادراری دچار می‌شود. موارد بسیاری وجود دارد که مبنای رفتاری آن برای ما شناخته شده نیست. هیچ کس همه پاسخ‌ها را نمی‌داند و کسی نیست که ادعا کند قادر است از تمامی مشکلات رفتاری پیشگیری کند. ممکن است ما والدین بیمار و با والدین خود را مورد انتقاد قرار دهیم و از اشتباهاتی که آنان مرتکب شده‌اند، خودداری کنیم، لکن بسیار محتمل است که در عوض در جالبه اشتباهاتی که آنان موفق به دوری از آن شده‌اند بیفتیم. بنابراین صحیح نیست که والدین رابه خاطر اشتباهاتشان ملامت کنیم و با کودک رابه علت رفتارش مورد سرزنش قرار دهیم؛ بلکه باید، پیوسته متوجه ماورای مشکلات باشیم، خواه مشکل ترس، نیک، پرحینب و جوسی و یا هر

جانشین پیامبر (۱)

فرمود: "آن امامان و جانشینان من هستند که نخستین ایشان علی فرزند ابوطالب و پس از آنگاه به ترتیب حسن، حسین، علی بن الحسین محمد بن علی - که در تورات باقر نامیده شده بود - جابر او را در خواهی یافت و در آن روزگار پیام مرا بدو برسان! - پس از او جعفر بن محمد الصادق، موسی بن محمد، علی بن موسی محمد بن علی، فرزند حسن بن علی خواهد بود در انجرام: کتبه (۳) او همانند من است همان که نام و کتبه (۴) و (۵) :"

شیعه دوازده امامی، بر آن است که پس از رسول خدا، راهبری جهان اسلام، با امیر مؤمنان علی علیه السلام و آنگاه با یارده فرزند پاکبانی می یابد. و این ایده عقیده را دلایلی به روشنی آفتاب در آستین دارد که یادیدن آن، بی نظیر بی غرض را جای تردید باقی نمی ماند. جابر فرزند عبدالله، از یاران و پیروان پیامبر (ص)، می گوید: و خوب اطاعت از خدا و رسول روزی که آیه فرود آمد به آن گرامی گفتم: اولی الامر (۲)، فرود آمد به آن گرامی گفتم: تا رسول را شناخته ایم اما سه دیگر چه کسانیاند؟

هیچ جامعیتی، در هیچ موضع از زمان و مکان نمی تواند بی راهبر و پلورها به سربرد. یا الهام از این واقعیت، این یادآوری به خاطر می آید که: هر کسی که مقام آن عشق می ورزد، ناگزیر باید دوام و سعادتی که او با او می یابد، در حرارت آن کوه باقی ماند و بی نتیجه به شمع قدرت، مسؤولیت و دانش و بینشی که دارد در حال وهم درآینده وحشی درآینده دور آن

جامعه بیندیشد و طرح و برنامه داشته باشد، تا
هماره سرنوشت جامعه به حوزه سعادت ایده‌ال
نزدیک گردد.

برهمن اساس و روی همین الزام است که
زامداران، حتی در مسافرت‌های کوتاه، قائم
مقامی برای خود تعیین می‌کنند، و این کار در
همه جلوه‌های رهبری، نمود دارد:

یک رئیس خانواده، یک مدیر مدرسه، یک
استادکار کارخانه، در عبیت چند ساعته
جانشینی برای خویش برمی‌گزیند و دیگران را به
فرمانبری از او - در غیاب خویش - سفارش می-
کند. این مسأله چندان بدیهی است که نیازی به
برهان ندارد.

پیامبر دلسوز و مآل اندیش

پیامبر گرامی که راهبر جامعه جهانی اسلام
بود، بر همین روال عمل می‌فرمود:

هر جا که برای نخستین بار، فروغ اسلام می-
تابید، هر چند هم کوچک، آن گرامی، حاکمی
شایسته بر آن می‌گماشت تا زمام امور را به دست
گیرد.

برای لشکرهایی که به جهاد اعزام می‌کرد
فرمانده سپاه معین می‌فرمود و گاه چند نفر را به
ترتیب معاون آن فرمانده قرار می‌داد تا اگر یکی
کشته شود، سپاه بی‌سرپرست نماند.

همچنین کسانی را می‌شناسیم که آن گرامی
به هنگام مسافرت از مدینه، آنان را به عنوان
جانشین و نماینده خویش می‌گمارد تا مدینه در
غیبت آن بزرگ، بی‌زامدار نماند (۶).

شیعه می‌گوید: به همین دلیل چگونه باخرد
موافق است که پیامبر (ص) رحلت فرماید بی‌آن
که جانشین خویش را برگمارده باشد؟!

کدامین سوی از این احتمال‌ها که می‌شمریم
باخرد راست می‌آید؟:

- آیا پس از رحلت "پیامبر (ص)" دیگر
جامعه اسلامی نیازی به رهبرنداشت؟

- و یا پیامبر (ص) برای جامعه مسلمین، پس
از خویش، اهمیت قائل نبود؟

- و یا دلسوزی و تدبیر خویش، از کف نهاده
بود؟

- و یا لایق‌ترین جانشین رانمی‌شناخت؟

دگر باره می‌پرسیم:

کدامین سوی از این احتمال‌ها که برشمردیم
با خرد راست می‌آید؟

پیامبر عزیز اسلام (ص) که با مهری عمیم، در
همه جم و خم‌های زندگی مسلمانان، نشانه‌های
راهبری و تعیین تکلیف را از سوی او، می‌توان
دید، چگونه ممکن است، در امری چنین عظیم
تعیین تکلیف نفرموده باشد؟

شیعه امامیه با توجه به این حقایق، بسه
پی‌جویی در متون و مدرک‌های نخستین و اصلی
اسلام می‌پردازد و در این پی‌جویی، به منابعی
سرشار که خرد و وجدان اسلامی‌اش، از پیش
حکم می‌کرده است، برمی‌خورد و سرانجام
بدین نتیجه می‌رسد که از پیامبر (ص)، فرمان‌هایی
روشن و کافی و قاطع در زمینه تعیین جانشین در
رسیده است و به‌جای مانده:

چنان چون: آیه و ولایت، حدیث غدیر
حدیث سفینه، حدیث ثقلین، حدیث حلق
حدیث منزلت، حدیث دعوت عشیره و دیگر
چیزهایی که در کتاب‌های بزرگ به گستردگی به
محک بحث و تحقیق زده شده است. و ما از همه
تنها حدیث غدیر را برمی‌گزینیم و انصافتان را
به داوری می‌طلبیم:

خبر ایستاد هاند . . . صحرا چنان که می دانیم
وگفتیم : پهنه بی آب و تفته غدیر خم است .

نیمروز است و هرم آفتاب سوزنده :

خبر چیست که پیامبر در این هنگام و هنگامه
مردم را برسریانگاهداشته است ؟

در این هنگام ، بانگ اذان به گوش می رسد :
پیامبر (ص) با مردم نماز می گزارد و از یاریند
شتران ، مکانی برتر ساخته می شود . پیامبر (ص)
بر فراز آن می ایستد . سینه ها نفس هارا
دزدیده اند و مردم چون ریگزار صحرا ، خاموش
خاموشند و منتظر شنودن خبر .

پیامبر (ص) شروع می کند ، سخنانش چون
تراوش ذرات آب که از آبشار درهوا پیراکنند
نرم و نوازشگر است و هرم گرما را می شکنند و
مردمان تشنه ، زیر آفتاب ، با گوش جان آنرا می
نوشند و می نویسند . پیامبر اسلام (ص) پس از
ستایش خداوند ، چنین ادامه می دهد :

— من و شما ، هر دو ان مسوء ولیم (۹) ، چه
می گوئید ؟

گواهییم که ما را تبلیغ کردی و در این راه چه
بسیار کوشیدی ، خدا نورا بهترین پاداش دهد !

— آیا به یگانگی خداوند و پیامبری بندهاش
محمد (ص) ، گواهی نمی دهید ؟

و به راستینی بهشت و دوزخ و مرگ و رستخیزو
زندگی پس از درگذشتن ؟

— گواهی می دهیم .

— خدایا گواه باش ! و آنگاه رو سوی مردم باز
می گوید :

— مردم ! من و شما کنار کوه یکدیگر را
خواهیم دید : هسیار باشید که پس از من با
دو " گرانبها کوه" چگونه خواهید بود ؟

— ای پیامبر خدا ، آن دو ، چیست ؟

کتاب خدا و اهل بیت من ، خدا به من خیر

پیامبر گرامی (ص) ، در سال دهم هجرت به
مکه عزیمت فرمودند تا فریضه حج بگذارند .

این حج ، در آخرین سال عمر پیامبر عزیز
انجام شد و به همین جهت در تاریخ ، آنرا
حجة الوداع می گویند ، یعنی حج بدرود ، حج
خدا حافظی .

همراهان پیامبر را که به شوق همسفری با آن
حضرت و دیدن و فرا گرفتن حجتی درست ، به
رکابش شتافته بودند ، تا ۱۲۰ هزار نفر
نوشته اند . . .

گروهی نیز در شهر مکه به او پیوستند . پس از
گزاردن حج و به هنگام بازگشت به مدینه امروز
هیجده ماه ذیحجه در " غدیر خم " (۷) این
آیه نازل شد :

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ : بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ
وَأِنْ لَمْ تَفْعَلْ ، فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ
مِنَ النَّاسِ (۸)

" ای پیامبر ، برسان آنچه از پروردگارت بر تو
فرود آمده است و اگر نرسانی ، رسالت خدای را
به جا نیاوردی و خداوند تو را از گزند
مردمان در امان دارد . . . "

بدین ترتیب فرمانی بزرگ از سوی خدا به
پیامبر در می رسد .

لبهای کاروانیان به آهستگی نحوای کند :

— خدا فرمانی داده است . . .

و همه منتظر فرمان می مانند . . .

در همین هنگام پیامبر (ص) ، دستور می
دهد که همه از حرکت بازگردند و بازماندگان در
رسند .

چنین می کنند . . . و راهگذرانی بسار ، به
فرمان رسول خدا (ص) ، اینک برای شنودن ک

حضرت علی (ع) شادباش گفتند ، از کسانی که پیشاپیش اصحاب ، به امیرمؤمنان حضرت علی (ع) تهنیت گفتند ، ابوبکر و عمر بودند که گفتند: **بِخِّ بَخِّ لَكَ يَا عَلِيُّ، أَصْبَحَتْ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى كُلِّ مَوْءُئِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ** ای خوشا تو یا علی ، که مولای من و هر مرد وزن باایمان شده‌ای (۱۲) .

سند حدیث غدیر

این حدیث از جهت سلسله‌راویان ، چندان محکم است که شاید کمتر مانند داشته‌باشد .

یکصد و ده نفر (۱۳) از اصحاب پیامبر (ص) که در غدیر حاضر بودند ، این حدیث را بی‌هیچ واسطه ، از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند و هم هشتاد و چهار نفر از تابعین (۱۴) .

دانشمندان آگاه و بی‌غرض ، چه تاریخ‌نویسان و چه معسران و دیگرها ، از اهل تسنن ، مساءله غدیر را با مدارک زیاد در کتاب‌های خود آورده‌اند ، که نام سیصد و پنجاه نفر از آنها در کتاب "الغدیر" آمده است .

چه بسیار از دانشمندان بزرگ اسلامی ، در این باره مستقلاً "کتابی نوشته‌اند که نام بیست و شش نفر از آنان با ویژگیهای کتابهایشان در "الغدیر" فراهم آمده است .

فرهنگ نویسان چون به واژه غدیر یا مولی رسیده‌اند ، داستان غدیر را باز گفته‌اند . . .

ویاری ، کوچکترین تردید و کمترین سائسه انکار در سند حدیث غدیر وجود ندارد مگر برای آن دسته از مردمان که در نور خورشید می‌ایستند و گرمی آن را بر پوست خود حس می‌کنند اما باز می‌گویند نوری و گرمایی نیست .

لطفاً " وری بزرید

داده است که این دوازدهم نگلند تا کنار کوشیه من رسند . . . از آنان پیشی مجوید که هلاک خواهید شد و هم باز پس نمانید که باز موجب هلاکت است .

در این هنگام ، دست امیرمؤمنان حضرت علی (ع) را برمی‌افزاد تا مردم ، همه ، او را ببینند و باز شناسند ، پس آنگاه در همان حال منشور آسمانی جانشینی خود را می‌خواند :

— أَيُّهَا النَّاسُ مِنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمَوْءُئِنِّينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ .

مردم ! ، چه کسی به مؤمنان از ایشان سزاوارتر است و برآنان ولایت و سرپرستی دارد ؟

— خدا و پیامبرش داناترند .

— خدا بر من ولایت دارد و من بر مؤمنان و من برگزیدگان از خود ایشان سزاوارترم پس :
مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَهَذَا عَلِيُّ مَوْلَاهُ (۱۵) . . .
هر کس من ولی و سرپرست اویم ، علی سرپرست ولی اوست .

خدای من ! دوستانش را دوست بدار و با دشمنانش دشمن باش ! ویاری کن هر که اورا یاری کند و کیفر ده آن را که با وی بستیزد . . .
هان ! هر حضری باید به غایبان ابلاغ کند .
هنوز مردم نپراکنده‌اند که این آیه نازل می‌شود :

امروز دینتان را کامل و نعمت را بر شما تمام کردم و خرسند شدم که اسلام دین شما باشد ! (۱۱)

پس آنگاه پیامبر (ص) ، فریاد برآورد :

اللله اکبر!

دین خدا کامل شد و پروردگار به رسالت من و امامت علی پس از من ، خشنود گشت .

پس از این مراسم ، مردم به امیرمؤمنان

(ص) فرمود :

آیا من نسبت به شما از خودتان سزاوارتر نیستم؟ همه گفتند هستی؛ آنگاه پیامبر اسلام (ص) فرمود: همین سزاواری و اولویت و ولایت که من نسبت به شما دارم علی نیز دارد و پس از من، او مولای همه مسلمانان و جانشین من خواهد بود.

پس، در این حدیث، هیچیک از معانی دیگر "مولی"، جز همان اولویت و ولایت و امامت منظور نیست و معانی دیگر در این مقام، کاملاً بی تناسب است. توجه به این نکته نیز که: پیامبر اسلام در آن هوای گرم، انبوه مردم راسربا نگهداشت؛ این حقیقت تاریخی را بیشتر آشکار می کند که موضوع، اهمیتی ویژه داشته است و اگر نه هیچ عاقلی باور نمی کند که پیامبر (ص) مردم را در آن شرایط نگهدارد و منظورش فقط این باشد که یک موضوع جزئی (مثلاً علی دوست من است) را به مردم یادآوری کند.

۲- دلیل دیگر این که :

پیامبر اسلام (ص) در جمله بعد فرمود : "خدا یا یاری کن آن را که علی را یاری کند و از رحمت خود دور بدار آن را که از یاری علی خودداری کند."

پیامبر (ص) می دانست که پس از او حضرت علی (ع) باید از نظر ظاهر، نیرو و ارتش داشته باشد و مردم او را یاری کنند تا اسلام ریشه گیرد، چرا که حکومت اسلام نیاز به فرماندهان عادل و مطاع دارد و لازم است همه مردم از جانشین پیامبر فرمانبرداری کنند، از این رو یاوران حضرت علی (ع) را دعا کرد و مخالفان او را نفرین، تا از این راه نیز به مردم بفهماند مخالفت با حضرت علی (ع)، موجب غضب خداوند و نفرین پیامبر (ص) است.

حدیث غدیر، با نشانه‌هایی که در خود آن و خارج از آن وجود دارد، چنان چشمگیر است که هرانسان با انصافی رامتوجه خود می سازد و از آن به روشنی برمی آید که امیرمؤمنان حضرت علی (ع) نخستین جانشین پیامبر اسلام بوده است.

اینک به توضیح و گسودن برخی از آن نشانه‌ها و شواهد می پردازیم :

۱- کلمه "مولی" که در این حدیث به چشم می خورد، از روشنترین کلماتی است که در این زمینه به کار گرفته شده است.

"مولی" در این حدیث یعنی کسی که دارای مقام ولایت و امامت و راهی و فرمان است و خواستش بر همه خواسته‌ها مقدم، به این دلیل که پیامبر پیش از جمله "من کنت مولاه" فرمود :

أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمَوْءِئِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ مردم! چه کسی به مؤمنان از ایشان سزاوارتر است؟

معنای اولویت پیامبر (ص) آن است که خواسته او بر خواسته مردم پیشی جوید و هر چه بگوید و انجام دهد، برای مردم حجت باشد و مردم پیروی کنند و در حقیقت بر مردم ولایت و سرپرستی داشته باشد. حال می گوئیم، همان طور که در جمله پیشین، صحبت از اولویت و ولایت پیامبر (ص) است در جمله بعد هم باید صحبت از ولایت و اولویت به همان معنی باشد تا ارتباط معنوی دو جمله پیشین و پسین محفوظ بماند.

بدین ترتیب معنای درست و کاملی که از این چند جمله به دست می آید، اینست که پیامبر

۳ - پیامبر (ص) در بیسانی خطبه فرمود :
آیا به یگانگی خدا و رسالت بنده‌اش محمد
گواهی نمی دهید؟ گفتند: می دهیم، آنگاه
فرمود: ولی و مولای شما کیست. سپس گفت: هر
کس من مولای او هستم علی نیز مولای او خواهد
بود.

بدیهی است که منظور از ولایت حضرت
علی (ع)، پس از شهادت به یگانگی خدا و
رسالت و ولایت پیامبر، همان امامت است زیرا
جز بدین معنی، ارتباط جمله‌ها حفظ نمی شود
و می دانیم که پیامبر (ص) از بلیغترین و
فصیحترین مردمان بود در گفتار.

۴ - مردم پس از انجام مراسم، بامیرمؤمنان
حضرت علی (ع) تهنیت‌ها گفتند. آشکار است
که این شادباش در صورتی صحیح به نظر می‌رسد
که در آن روز حضرت علی (ع) از سوی خدا و
پیامبر (ص)، به مقامی بلند رسیده باشد. جز
در این صورت، تهنیت معنا نداشت.

۵ - آیه، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ
مِّن رَّبِّكَ وَإِنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ
يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ (۱۵).

به گواهی دانشمندان اهل تسنن، روز غدیر
درباره مسأله جانشینی حضرت علی - که
درود خدا بر او - فرود آمده است (۱۶).

برای نمونه، گفتار مفسر و مورخ بزرگ تسنن:
حافظ ابو جعفر محمد بن جریر طبری رامی آوریم:
"... بعد از این آیه که در غدیر خم نازل
شد، پیامبر (ص) فرمود: جبرئیل از طرف خدا
دستور آورد که در این جایگاه بایستم و به هر
سفید و سیاه اعلام کنم که علی فرزند ابوطالب
برادر من، وصی من، جانشین من و امام پس از
من است..." (۱۷).

۶ - اشعار و چکامه های شکوهمند و بلندی که

شاعران و ادیبان اعصار از آن روزگار تا امروز در
باره غدیر و جانشینی امیرمؤمنان حضرت
علی (ع) سرود هاند، گذشته از اهمیت جنبه
ادبی، دلیل محکمی در مسأله مورد بحث
ماست زیرا همه آنها خطبه غدیر خم را مربوط
به ولایت و امامت دانسته و شرح داده‌اند.

شعر و نام این شاعران همه ضبط شده است و
آنان که با ادبیات عرب آشنا بی دارند می -
توانند، کتاب ارجمند "الغدیر" را ببینند.

در این کتاب بلند، اشعار و نام بسیاری از
شعرا بی که در موضوع غدیر شعر سرود هاند، از قرن
اول هجری تا قرنهای بعد، به ترتیب فراهم آمده
و حتی نقد و بررسی شده است.

۷ - پیامبر بزرگ ما (ص) و امامان گرامی (ع)،
روز هیجدهم ذیحجه را، یکی از عیدهای رسمی
مسلمانان اعلام فرمود هاند تا مسأله غدیر، هر
ساله بازگوشود و به دست فراموشی سپرده نگردد.
چنانکه ابوریحان بیرونی دانشمند مشهور
ایرانی در قرن پنجم، در کتاب "آثار الباقیه" و
نیز ابن طلحه شافعی در کتاب "مطالب السوء" و
روز غدیر را یکی از عیدهای اسلامی نام برده‌اند.
ابومنصور ثعلبی، ادیب و دانشمند مشهور
هم در کتاب "ثمار القلوب" شب غدیر را از
شبهای بزرگ اسلامی دانسته است.

۸ - احتجاج‌ها: امیرمؤمنان حضرت
علی (ع) و امامان دیگر، هرگاه به حدیث
غدیر احتجاج و در برابر مخالفان بدان استدلال
کرد هاند، هیچ کس در معنای آن و این که مربوط
به امامت و جانشینی امیرمؤمنان حضرت علی (ع)
است، اشکالی نکرده و مجاب شده‌اند (۱۸).

امیرالمؤمنین (ع)، یک روز در کوفه خطبه
می خواند، ضمن آن فرمود: به خدایان سوگند
می دهم، هر کس در غدیر حاضر بود و به گوش

دریابان این مقال با تقریظی که شیخ محمد دحدوح امام جمعه و پیشوای روحانی اهل تسنن شهر حلب بر کتاب الغدیر نوشته است، سخن را کوتاه می‌کنیم:

"... کتاب الغدیر، حقایق را استوار کرد و در برابر، خرافه‌هایی را ریشه کن ساخت. برخی از چیزها را به ثبوت رسانید که ما نمی‌دانستیم و گفته‌هایی را باطل کرد که ما بر اثر بی‌خبری، قرن‌ها بدانها دل سپرده بودیم.

آری، از حوادث گذشته، به گونه‌ی برای ما سخن رفته بود که ما می‌گفتیم: منشاء آنها را نمی‌دانیم و در اسرار آنها نیز نمی‌اندیشیم با آنکه لازم بود از پیشامدها درس می‌گرفتیم و بنای بلند بررسی قضایای تاریخی را برپایه تحقیق بالا می‌بردیم..."

چنانکه دیدیم، تا پیش از کتاب الغدیر

این مقدار، دانش عمومی اهل تسنن می‌بود از واقعه تاریخی غدیر، اما هم اکنون و از آن پس که فصل‌ها و بخش‌های "الغدیر" منتشر شد، در برابر، دریایی جوشان می‌بینند سرشار از دلیل رسا، برهان روشن و دانش فروزان، آنچه در "الغدیر" می‌بینیم یکر زبان می‌گوید: فروغ مهتاب پوشیدنی نیست.

خود شنید که پیامبر مرا به جانشینی گزید بایستد، تنها آنان که به گوش خود از پیامبر شنیده‌اند، برخیزند نه آنان که از دیگران شنیده‌اند و خود در غدیر نبوده‌اند. جمعی برخاستند.

احمد حنبل پیشوای بزرگ مذهب حنبلی می‌گوید: آنان سی نفر بودند که آن روز برخاستند و به شنیدن حدیث غدیر گواهی دادند.

باید دانست که در آن تاریخ بیست و پنج سال یا بیشتر از واقعه غدیر گذشته بود و هم برخی از اصحاب پیامبر (ص) در آن روز، در کوفه نبودند و یا پیش از تاریخ در گذشته بودند و نیز برخی به بعضی غرض‌ها بودند و گواهی ندادند.

راهبر آزادگان حضرت امام حسین علیه السلام - نیز به هنگام سخنرانی در اجتماع اسلامی مکه، بین هفتصد نفر از پارسایان اصحاب و تابعان پیامبر (ص) (۱۹). فرمود:

"... به خداوندتان سوگند باد، آیامی - دانید که پیامبر در غدیر، علی (ع) را به خلافت و ولایت برگزید و فرمود: حاضران به غایبان برسانند؟

آن جمع همه گفتند: خدا گواهد است که چنین بود (۲۰) (۲۰).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- الغدير وعلا مة اميني

کتاب جهانی الغدير با همت بلند علامه مجاهد فقيد شيخ عبدالحسي—
اميني — که رحمت خدای بر روان او باد — پیرامون حديث غدیر، به وجود آمده
است .

این کتاب عظیم که دستاورد یک عمر تلاش راستین آن بزرگ مرد است ، در چندین
جلد و به زبان عربی است و تاکنون ۱۱ جلد از آن نشر یافته است .

زبان و بیان کتاب به ستواری کوه و به روانی آب تدوین یافته و محتوای آن چنان
مستدل است که به اذعان بزرگان و دانشمندان اهل سنت ، در طی آن حقانیت
تشیع ، احیاء شده است و یکباره تلقی اهل سنت از تشیع را دگرگون ساخته و به
تفاهم این دو گروه مسلمان خدمتی بزرگ کرده است .
هماره نام او بزرگ باد .

در رساله حاضر، از این کتاب عظیم ، بسیار استفاده شده است .

۲- أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، سوره نساء ، آیه ۵۹ .

۳- در زبان عرب به نامهایی که جزء نخستین آن کلمه "اب" یا "ام" می-
باشد ، کنیه می گویند .

۴- نام و کنیه پیامبر (ص) به ترتیب محمد و ابوالقاسم است .

۵- منتخب الاثر، ص ۱۰۱ به نقل از کفایة الاثر . مؤلف این کتاب در این

باب ۵۰ روایت از کتابهای عامه و خاصه نقل می کند که در همه آنها پیامبر (ص)
امامان دوازده گانه را با اسم معرفی نموده است .

۶- به کتاب هایی که درباره تاریخ اسلام و روش رسول اکرم (ص) نوشته شده
است مانند سیره این هشام ، مراجعه فرمایید .

۷- غدیر خم نام جایی است بین مکه و مدینه .

۸- سوره مائده آیه ۶۷ .

۹- مسوؤلیت پیامبر (ص) ابلاغ رسالت و مسوؤلیت دیگران ، عمل به دین و
ابلاغ به دیگران است .

۱۰- طبق روایت احمد بن حنبل - یکی از چهار پیشوای بزرگ اهل سنن -
پیامبر (ص) این جمله ها را چهار بار تکرار فرمود .

۱۱- أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ

دینا" - سوره مائده آیه ۳

۱۲- الغدير ج ۱ ص ۱۱-۹

۱۳- الغدير ج ۱ ص ۶۱-۱۴

مفردات اعتقادی

درس چهارم

ملاکهای عمل احسن

سه عامل از عواملی راکه عمل را به درجه احسن می رساند بیان کردیم و این سه عامل چهارم .

۴ - اخلص اعمال ، افضل اعمال است . اگر نیت انسان (حسن فاعلی) در عمل از بالاترین درجه اخلاص برخوردار باشد جزو احسن اعمال محسوب خواهد شد ، گرچه صورت عمل یک امر عادی و معمولی باشد . در تفسیر آیه دوم سوره ملک : لیبلوکم ایکم احسن عملا " گفته اند مراد از احسن عمل خالص ترین آنست .

خلاصه چند نظر تفسیری :

آورد و این عمل چندان کارآسانی نبود و با نمازی که در مسجد یا خانه ادا شود فرق می‌کرد. می‌بینیم شرایط حائبی، یک نماز معمولی را اوچ می‌دهد، لذا قرآن فرموده است دربررسی اعمال انسان، ذره‌ها هم به حساب می‌آید: فمن يعمل مثقال ذرة خيرا يره

از رسول خدا (ص) نقل شده است درجایی که لایق تراز شما حاضر است منبر را به او واگذارید و گرنه به اسلام و به مردم خیانت روا داشته‌اید. از این رو شما درجایی، سخنرانی یا منصب خود را به زید واگذار می‌کنید. اینک یک نمونه از این مورد مثال می‌آوریم تا بدانید یک نوع عمل از اشخاص مختلف، تفاوت درجه پیدایمی کند.

مرحوم حاج سید حسین کوه‌کمره‌ای در نجف اشرف حوزه دینی داشت. شاگردان او در حد اجتهاد بودند و چنین موقعیتی در حوزه‌ها زمینه را برای مرجعیت تقلید فراهم می‌سازد. روزی او می‌بیند شیخ ناشناسی در گوشه مسجد برای چهار نفر تدریس دارد و متوجه می‌شود که از خود او فاضل تراست!

روز بعد به شاگردان انبوه خود می‌گوید: "امروز می‌خواهم مطلب تازه‌ای را با شما در میان بگذارم و آن این است که من و شما از فردا در حوزه دینی آن شیخ شرکت می‌کنیم". و چنین می‌کند. (او شیخ مرتضی انصاری بوده است. عدل الهی ص ۲۴۵)

ملاحظه می‌کنید که این ایثار و عمل به وظیفه در واقع صرف نظر کردن از تمام موقعیت‌های فعلی و آتی است که در حوزه‌ها برای به دست آوردن آن سرمایه عمری و علمی کلانی لازم است و معلوم است که این عمل عادی محسوب نمی‌شود.

اینک منظور از بازده وسیع عمل که آن را به

الف - احسن اعمالاً یعنی اخلص واصوب. خالص‌ترین یعنی عمل فقط برای خدا باشد. صواب‌ترین یعنی مطابق سنت نبی اکرم واقع شود.

ب: زاهدترین اشخاص که نسبت به دنیا از همه بی‌رغبت‌ترند، اعمالشان بهترین است.

ج - هرکس عقلش بالاتر، از محارم پرهیزکارتر و در اطاعت خدا سریع‌تر است، اعمالش احسن است.

(المیزان ج ۲۰ ص ۱۱، نمونه ج ۲۴ ص ۳۱۷ - فخر رازی ج ۳ ص ۵۶، کشاف ج ۴ ص ۱۳۴) اساساً آفرینش به خاطر محسنین است و محسن از باب افعال به معنی احسن کار است و بقیه مردم به خاطر آنها آفریده شده‌اند (المیزان ج ۲۰ ص ۴) ۵ - بازده وسیع عمل.

مقدمه: همان‌طور که گفتیم عمل قبول شده را (حسنه) می‌توان با چهار جویی که دارد تعیین حدود کرد، چه در بعد حسن فعلی یعنی صورت عمل، چه در مورد حسن فاعلی و نیت آن. مثلاً "شما دو رکعت نماز با قرائت صحیح و مطابق شرایط فقهی می‌خوانید، این می‌شود حدود حسن فعلی آن. در شروع نماز، نیت می‌کنید قریباً الی اللہ این هم می‌شود حسن فاعلی که هر دو بعد عمل یک امر معمولی است، لکن ممکن است در همین دو رکعت، انسان حال و شور و خشوع مغرطی پیدا کند که عمل متعالی گردد. همچنین شرایط زمانی و مکانی و شرایط خود شخص موجب تفاوت درجه و ارزش عمل می‌شود، لذا به عدد انفس خلایق، درجه داریم. قبل از انقلاب با یکی از دوستان دربارگی قدم می‌زدیم که یک مرتبه اذان گفته شد. او که مقید به نماز اول وقت بود همان جا در پیاده رو نمازش را جلوی چشم مردم که بعضی‌ها به دیده سخریه نگاه می‌کردند به جا

می گیرد . مسأله گناهان هم همین طور است .
 چه بسا یک عمل معمولی حسنه یا سیئه کافزما
 صادر می شود دارای بازده وسیعی باشد و ما از
 آن غافل باشیم و در واقع در نامه عمل ما احسن
 عمل یا گناه کبیره نوشته شود . از ایمن رو
 حضرت علی (ع) فرمودند : "هیچ عملی را کوچک
 شمار! باشد که همو عمل بزرگی بوده باشد
 و تونمی دانی ."

تذکار : این تقسیم بندی که در مورد اعمال نیک
 انسان به اعتبار حسن فاعلی و حسن فعلی انجام
 شد در مورد اعمال زشت هم به کار می رود :

الف : یک عمل ، ممکن است هم قبح فاعلی
 داشته باشد و هم قبح فعلی ، مانند دسیسه های
 استکبار علیه کشورهای ضعیف که اکبر کبایراست .
 قبح فاعلی یعنی شخص بانیتی زشت و بد
 خواهی ، کاری را انجام می دهد و قبح فعلی
 یعنی صورت عمل زشت است و آن دارای مراتب
 زیادی است که صغیره ها و کبیره ها و اکبر کبایرا
 پدید می آورد .

ب : عملی که فقط قبح فاعلی دارد یعنی کارها
 سوء نظر انجام می شود ، گرچه نفس عمل به خودی
 خود قبیح نبوده ، بلکه حسن فعلی هم داشته
 باشد ، لکن آن هم از گناهان صغیره یا کبیره
 است ؛ مانند خیلی از بناهای خیریه ، ارسال غذا
 و دارو و خیرات به کشورهای ضعیف که استکبار
 همه اینها را برای جلب اعتماد مردم انجام
 می دهد و به دنبال آن استعمار و چپاول را اعمال
 می کند . لازم است چند نکته رایج آور شویم :

۱ - در این مقالات درباره عمل حسن و عمل
 احسن مقایسه وار صحبت کردیم و این بدان معنی
 نیست که آنچه به عنوان عمل حسن یا احسن
 عنوان کردیم قطعی است و ردخور ندارد ؛ زیرا
 بسیاری از آنچه به عنوان حسنه مثال آوردیم

وادی احسن می برد چیست ؟ گاهی می بینید
 عملی حسن فاعلی و فعلی کاملاً معمولی دارد و
 هیچ نوع شرایط زمانی و مکانی خاصی هم در بین
 نیست به طور مثال : شما موتورسیکلت به مقصدی
 حرکت می کنید ، کسی در مسیر خواهش می کند او
 را همراه خود سوار کنید . شما برای رضای خدا
 اجابت می کنید (حسن فاعلی) سپس او را به
 مقصدش می رسانید (حسن فعلی) و این عمل
 معمولی است ، لکن یک بازده بسیار وسیعی دارد
 که آن رابه درجهای متعالی اوج می دهد . موتور
 سواری نقل می کرد : "شخصی در مسیاز من خواست
 او را به مقصدش برسانم . او وقتی پیاده شد
 خواهش کرد چند دقیقه ای صبر کنم و دوباره
 او را به جای اول برگردانم . او با جمعیتی که همراه
 داشت ده دقیقه بعد برگشت و سوار موتور من شد
 و به من گفت : آقا ! شما می دانید ظرف این چند
 دقیقه چه کردید ؟ قضیه اینست که چه
 خرد سالی تحت عمل جراحی قرار داشت و تنها
 ۳۰ دقیقه فرصت بود این خون به او برسد تا
 حیاتش را باز یابد و اینک با کمک شما این خون به
 موقع به او می رسد و حیاتی دوباره می یابد ."
 حال شما ملاحظه می کنید شعاع این عمل
 معمولی (یعنی مسافر کشی افتخاری باموتور)
 تا کجاها کشیده می شود : پدر و مادری با حیات
 فرزندان در واقع خودشان احیا شده اند
 خانواده ها از عزامن مانده اند ، پزشک از کار
 موفقیت آمیز خویش خرسند و تشویق می شود و چه
 بسا از نسل آن کودک نایبیت انسان های با
 کمالی به وجود بیایند که قرآن فرموده است هر
 کسی یک نفر رازنده کند مثل آنست که هم مردم
 رازنده کرده است (مائده ۳۲) . پس یک
 مسافر کشی معمولی صدربالی به دلیل بازده
 وسیعی که دارد در مراتب بالاتر احسنیت قرار

چیز مهمی که در قیامت از آن سؤال می شود نام برده شده است. این نوع اعمال احسن دو گونه اند: یک قسم آنها بی هستند که در قرآن و احادیث با احسن بودن آنها با لفظ احسن یا افضل و مانند آن تصریح شده است. قسم دیگر آنها بی که به احسن بودن آنها تصریح نشده است و لکن با قرائن جانبی احسن بودنشان قابل اثبات و کشف است. مانند عبارات ذیل:

ومن احسن قولا " من دعالی الله و عمل صالحا " چه کسی نیکو گفتارتر از کسی است که دعوت به خدا کند و عمل صالح انجام دهد . (فصلت ۲۳) . آیه نشان می دهد دعوت به خدا، امری معروف، تنویر افکار مردم و هدایت خلق از مقوله اعمال احسن می باشد. و نیز کسی که تسلیم خداست، اعمال صادره از او همه احسن است.

مردی از انصار عرض کرد یا رسول الله از نظر شما کدامیک از این دو عمل محبوب تر است: حضور در تشییع جنازه یا حضور در مجلس عالم . فرمودند: " اگر کسانی هستند که مراسم تشییع جنازه را عمل کنند، حضور در مجلس عالم از تشییع هزار جنازه، عیادت هزار مریض، قیام هزار شب و صیام هزار روز بهتر و اولی است. روایت نشان می دهد که کسب علم جزو بالاترین احسن هاست. (ثواب الاعمال شیخ صدوق . ۲۸۹) .

ممکن است جزو احسن ها باشد و در مواردی می بینیم مقایسه دو عمل یکی به عنوان عمل احسن و دیگری به عنوان احسن درست نبوده، زیرا هر دو عمل جزو احسن ها است یعنی مقایسه بین دو احسن صورت گرفته است .

پس باید بدانید منظور ما این بوده است که میان دو عمل در شرایط مختلف، تفاوت هست یعنی یکی بردیگری ترجیح و تفوق دارد. غرض اصلی ما از طرح این اصول و قواعد در مورد اعمال این است که بدانیم هر عملی درجه ای دارد و اعمال به اعتبار فاعل، صورت فعل، شرایط محیطی، شرایط زمانی و با توجه به آثار مترتب بر آن با هم فرق دارند .

۲ - در متون اسلامی مانند قرآن و احادیث پاره ای اعمال اصولاً " به عنوان عمل احسن معرفی شده اند و گویی روی آنها بر چسب و مهر احسنیت زده شده است و آنها اعمالی می باشند که به محض تحقق مهور به مهر احسنیت هستند و اگر مقایسه ای بین آنها بشود، مقایسه بین احسن و فوق احسن صورت گرفته است. مانند صلوة که از همان اول به عنوان احسن مطرح شده است، به دلیل این که در اذان می گوئیم حی علی خیر العمل، بشتاب برای بهترین عمل، خیر در لغت، افعال تفضیل است به معنی بهتر، بالاتر. این جمله نشان می دهد صلوة جزو احسن هاست و در روایات از آن به عنوان عمود الدین یا اولین

استماع گزارشش کارگردسالیانه، تبادول نظر کلی و طرح پیشنهادهای
جدید بخشی از اهداف گنگره سراسری است.

ساخت کودک و تراشیم کردن ابزار تربیتی و امور



در نظر گرفته است. این استعدادها در زمینه‌های
شخصیتی و جسمانی کودک بی شمار و مختلف
هستند. هر فردی، استعدادها و مختلفی دارد
که متفاوتند و همین امر است که تربیت هر فرد را
کاملاً اختصاصی می‌نمایاند. یعنی برای هر
فرد بایستی تربیت خاص او را اعمال کرد تا به
مرحله ظهور توانایی‌هایش برسد.

علی‌رغم این که تربیت هر کودک، خاص
خود اوست، بر تربیت انسان قوانینی حاکم
است که رعایت آنها برای پروراندن کودک
اجتناب ناپذیر است. به تعبیر دیگر، تربیت
اختصاصی کودک در سایه اعمال این اصول
معنا پیدامی‌کند. از جمله این اصول، تناسب
تربیتی کودک با زمینه‌های موجود در اوست:

" کودک را باید به گونه‌ای تربیت نمود که
طبع او، با آن تربیت متناسب باشد و بتوان
ابزار و ادوات آن را برای کودک فراهم کرد."

رضایپور حسین

تربیت کودک در حقیقت معماری انسان است.
چه، در پرورش او رعایت ظرایف و دقایقی لازم
است که بدون در نظر گرفتن آنها، ساختمان
تربیتی کودک، بنامی شود و اگر بنا شود، کج
و دارای انحراف است.

تربیت، ظهور استعدادها و نهفته‌های کودک و
پروراندن آنها در جهت هدفی است که مربی

بیشتری دارد .

قدم سوم این است که وقتی گرایشها و رغبت های عمومی و اختصاصی کودک مورد ارزیابی قرار گرفت ، او را به طرف اکتساب فن و هنری که متناسب با این گرایشها باشد ، سوق بدهیم و برای این که کودک ، در اکتساب آن ثابت قدم باشد ، بایستی شرایطی فراهم کرد که انگیزه کسب آن همواره وجود داشته باشد . مهمترین عاملی که می تواند انگیزه را در کودک زنده نگاهدارد ، به کار بردن سیستم منظم پاداش و تقویت است . رسیدگی مستمر بر روی کارآموزی کودک و انجام تقویت و دادن پاداشهای لازم

اگر بخواهیم این اصل را رعایت نماییم ، قدم اول شناخت عمومی کودک است . اولیاء و مربیان باید ویژگیهای جسمانی ، عاطفی ، روانی اخلاقی و احساسی کودک را بطور دقیق شناسایی و ارزیابی نمایند تا بتوانند تربیتی متناسب با زمینه های موجود در شخصیت کودک ، داشته باشند . در حقیقت پرورش کودک بدون در نظر گرفتن جنبه های مختلف شخصیت او ، همانند کاشت در زمینی است که هیچ مشخصه ای از آن در دست نداریم و بالطبع در مورد میوه ای که بار خواهد آورد ، هیچ پیش بینی بی نخواهیم داشت . البته روشهای متفاوتی برای شناخت و ارزیابی کودک وجود دارد که عمومی ترین آن مشاهده کردن اعمال و رفتار وی است . مثلاً " یک مادر باید بداند کودک او به چه چیزهایی بیشتر علاقه مند است ؟ کودک او بیشتر به چه چیزهایی فکر و درباره آنها صحبت می کند ؟ اغلب بازیهای کودک او از چه نوعی است ؟ کودک در برابر محرکهای مختلف چه عکس العملهایی از خود نشان می دهد ؟ و از این قبیل ...

قدم دوم ، شناخت اختصاصی کودک است . بعد از شناخت عمومی کودک ، لازم می آید که بطور اختصاصی ، گرایشها و توانشهای کودک را برای اکتساب یک فن ، هنر و علم بخصوصی جویا شویم . بطور مثال : از شناخت عمومی کودک مشخص می گردد که او به " هنر " رغبت بیشتری دارد . این جا باید وارد مرحله اختصاصی شناخت کودک شد و آن این است که بایستی واریسی شود که کودک در چه زمینه ای از هنر توانایی بیشتر و رشد قابل ملاحظه تری دارد . مثلاً " ممکن است متوجه شوید که فرزند شما برای اکتساب فن خوشنویسی ، گرایش و توانایی





روانی و صلاحیت های بنا شده در اوست. به عبارت دیگر، محتوای تربیتی و آموزشی با طبع و زمینه تحولی کودک منطبق است. مضافاً این که بایستی شدت و جهت آن نیز متناسب با طبع کودک و متناسب با گستره گرایشها، نیازها و ظرفیت های جسمانی؛ روانی و ذهنی او باشد.

لوازم و امکانات لازم برای اکتساب هر آموخته های بایستی به طور کامل فراهم شوند تا رشد و شکوفایی تربیتی بیشتری حاصل گردد. اگر کودک توانایی کسب آموخته ای را داشته باشد، اما لوازم برای رشد آن، فراهم نباشد و یا بطور کامل دردسترس نباشد، درحقیقت محرکهای لازم برای رشد ذهنی و روانی، به او ارائه نمی شوند و شکوفایی نیز به صورت کامل انجام نمی گردد. درحقیقت توانش های کودک شکوفا نشده، سرکوب خواهند شد.

با این حساب، تناسب طبع کودک با نسوع آموزش و تربیت، تناسب جنبه های شخصیتی کودک با فن و هنر و مواد آموزشی و نیز فراهم آوردن ابزار و روشها، لازم و ملزوم یکدیگرند

می تواند همواره آمادگی روانی او را در جهت کسب فن مورد نظر حفظ نماید. تقویت کودک نوعی باز خورد مثبت برای کارهای کودک به حساب می آید و موجب نیروی انگیزشی در کودک می شود که به نوبه خود، رشد را تسهیل و بارور می کند. عامل دیگر، اطمینان دادن به کودک به لحاظ کاربردی بودن آن فن و یا هنر است. مثلاً "اگر نوجوان متوجه شود که آموخته های او جنبه کاربردی دارد و او می تواند به وسیله آن کفایت شغلی و اقتصادی، به دست آورد مطمئناً انگیزه قوی تری برای اکتساب کامل آن پیدا خواهد کرد.

قدم چهارم، فراهم کردن ابزار، امکانات و روشهای لازم برای شکوفا شدن استعداد های کودک است. این امکانات بایستی با نوع تربیت متناسب باشند و نوع و محتوای آموزشی نیز به نوبه خود بایستی با زمینه رشد و تحول روانی کودک هماهنگ باشد.

در نظام نوین آموزشی که مبتنی بر تربیت فعال است، پروراندن کودک منطبق با تحول

به تناسب همین بحث، شایسته است در پایان قسمتی از کتاب ارزشمند اخلاق ناصری تالیف خواجه نصیرالدین طوسی را نقل کنیم. خواجه در بحث سیاست و تدبیر اولاد، به تناسب طبع کودک و تحصیل وی و فراهم آوردن امکانات لازم برای رشد آن، اشارتی این چنین دارد:

" و اگر طبع کودک در اقتنائی صنعتی صحیح نیابند و ادوات و آلات او مساعد نبود او را بر آن تکلیف نکنند، چه در فنون صناعات فسحتی است، به دیگری انتقال کنند، اما به شرط آنکه چون حوضی و شروعی بیشتر تقدیم یابد ملازمت و ثبات را استعمال کنند و انقلاب واضطراب ننمایند، و از هنری ناآموخته به دیگری انتقال نکنند، و در اثنای مزاولت هرفنی ریاضتی که تحریک حرارت غریزی کند و حفظ صحت و نفی کسل و بلادت و، حدت ذکا و باعث نشاط مستلزم بود بعبادت گیرند. و چون صنعتی از صناعات آموخته باشد او را به کسب و تعیش بدان فرمایند تا چون حلاوت اکتساب بیابد آن را باقصر الغایه برساند..."

بی نوشت ها

۱ - خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۶۴

۲ - فراهم کردن

۳ - وسعت، فراخ

۴ - شروع کردن، مبادرت کردن

۵ - رسیدگی به کاری، ممارست

۶ - کند فهمی

۷ - تیز هوشی

و هر یک بدون دیگری، تربیت را به مقصد نمی رساند. اگر اولیاء و مربیان، کودک را به طرف فن، هنر و علمی سوق بدهند که باطبع وی سازگار نباشد و زمینه اکتساب آن رانداشته باشد، تربیت صحیح حاصل نمی شود و یکی از نتایج آن، سرخوردگی و خستگی روانی برای متربی خواهد بود. و از سوی دیگر، اگر این تناسب وجود داشته باشد اما اولیاء و مربیان ابزار و روشهای لازم را جهت اکتساب آنها فراهم نکرده باشند، بازهم شاهد عدم تربیت صحیح و اصولی خواهیم بود.

نکته قابل توجهی که ذکر آن لازم است این است که اگر کودک را به طرف اکتساب یک فن و هنر بخصوصی سوق می دهیم بایستی شرایطی فراهم شود که وی در اکتساب آن جنبه تا آخر ثابت قدم باشد و آن را به طور کامل کسب کند. آموختن یک هنر، علم و فن بطور کامل، بهتر از تحصیل فنون مختلف، به صورت نیمه تمام است. عموماً افراد برجسته و سرآمدان دانشمند، سرمایه و عمر خود را صرف اکتساب یک فن و هنر و یک آموخته بخصوصی کرده، به همین دلیل، موفق هم شده اند.

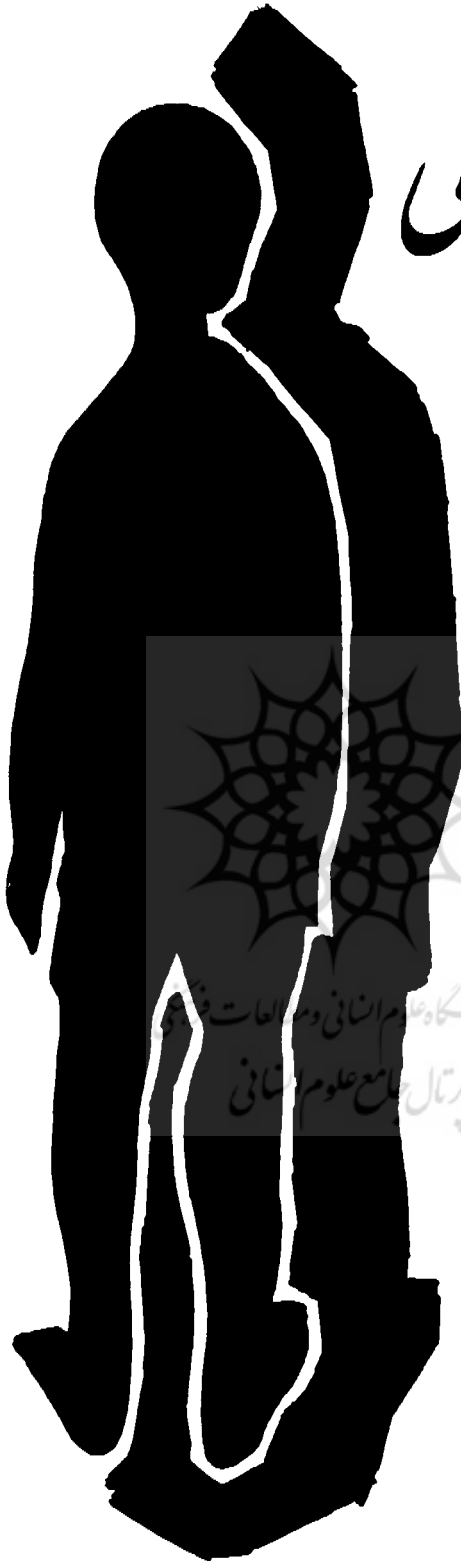


ارزش‌داری

کودکان

چرا می‌دانیم؟

۲



دکتر احمد به پژوه

خوانندگان گرامسی

در شماره قبلی نشریه پیوند (خردادماه ۱۳۷۰)، قسمت اول مقاله "شب ادراری کودکان" در ارتباط با تعریف شب ادراری (بی اختیاری در کنترل ادرار)، انواع شب ادراری و علت‌های آن از نظر عوامل روانی و جسمانی از نظر شما گذشت. اینک قسمت دوم مقاله مذکور تحت عنوان "از شب ادراری کودکان چه می دانیم؟" پیرامون علت‌های شب ادراری از نظر عوامل محیطی، رفتار شناسی کودکان مبتلا به شب ادراری، شیوه‌های برخورد با این گونه کودکان و روش‌های اصلاح رفتار آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳ - سرد بودن توالت، خاصه در ایام زمستان عامل دیگری است که به عنوان علت پیدایش شب ادراری قلمداد می‌شود.

۴ - گاهی اوقات عدم وجود وسائل مخصوص دفع ادرار کودکان و مساعد و مناسب نبودن توالت به هر علت دیگری ممکن است باعث به وجود آمدن شب ادراری شود، به طور مثال چنانچه دفع بی اختیار ادرار، بر اثر ترس از سقوط به هنگام دفع ادرار باشد، می‌توان با استفاده از مستراح یا صندلی مخصوص، فکرو احساس ترس از سقوط را از بین برد.

۵ - به طور کلی تغییر محیط، اقامت در محل جدید مانند: پرورشگاه، بیمارستان، سرای‌خانه، منزل جدید و نظایر آن می‌تواند به عنوان عامل محیطی موجب شب ادراری شود.

ج - عوامل محیطی در کنار عوامل روانی و جسمانی کم‌مدر پیدایش شب ادراری دخالت دارند، از عوامل محیطی یا فیزیکی باید یاد کرد. این عوامل در عین حال که به سهولت قابل رفع هستند، لیکن مورد غفلت قرار گرفته و اثرات آنها نادیده انگاشته شده‌اند. لذا به هنگام مصاحبه با والدین کودک شب ادرار و بازدید منزل، شایسته است به‌دقتی که ذیلاً گفته می‌شود، توجه کرد.

۱ - گاهی اوقات، دور بودن توالت از محل زندگی و خواب کودک، موجب می‌شود کودک دفع ادرار در رختخواب را بر دفع آن در توالت ترجیح دهد.

۲ - تاریک بودن توالت بویژه هنگام شب و عدم دسترسی به کلید چراغ برق و دردسترس نبودن مادر نیز می‌تواند در به وجود آوردن شرایطی که کودک در رختخوابش ادرار کند، کمک نماید.

مساء له یاد آور یک ضرب المثل فارسی است که می‌گوید:

"هر بچمای که آتش بازی کند، شب جایش راتر می‌کند". شاید وجود نگرانیها و تشویشها و اضطرابهاست که کودک را به سوی این گونه بازی ها سوق می دهد و گریزگاهی برای خالی کردن دق دلی ها و ناراحتی های درونی می - شود.

" بیسل"^{۱۵} با مطالعه رفتار کودکان شب ادرار، اینان را به دو گروه تقسیم کرده است:

۱ - گروه پرجنب و جوش، تحریک پذیر بسیار حساس و از نظر رشد جسمانی و ذهنی (هوشی) پیش افتاده.

۲ - گروه خمود و تنبل، بی تفاوت، بی - علاقه و از نظر رشد جسمانی و ذهنی (هوشی) عقب مانده (کانر، ۱۳۴۴، ص ۲۹۶).
"بیوتونزکی"^{۱۶} گروه دوم فوق الذکر را به چهار زیر گروه تقسیم کرده است:

الف - کودکان کینه توز، که به قصد اذیت کردن و آزار والدین دست به این کار می‌زنند.

ب - کودکان کمرو، که شب ادراری، واکنش آنها در مقابل وضع ناخوشایند حدیداست.

ج - کودکان سر به هوا، که بی قرار و گیج هستند و به آسانی حواسشان پریشان شده، به علت عدم تمرکز، کنترل دفع ادرار را فراموش می کنند.

د - کودکان بی تفاوت، که ترکردن یا تر نکردن شلوار و رختخواب برایشان تفاوتی ندارد

رفتار شناسی کودکان مبتلا به شب ادراری

کوشش بسیاری برای مطالعه رفتار و شناخت شخصیت کودکان شب ادرار به عمل آمده و سعی شده است رفتار این گونه کودکان به طور دقیق و به روش بالینی مورد مشاهده قرار گیرد. به طور مثال در تماس با این کودکان چنانچه نحوه تکلم، طرز برخورد با دیگران، چگونگی بازی و مانند اینها را در نظر گیریم، ملاحظه خواهد شد که شب ادراری تنها به عنوان یک معلول یا اختلال رفتار نیست که در این گروه از کودکان مشاهده می شود، چه بسا اختلالات دیگری چون لکنت زبان، نقص عضو، عقب ماندگی ذهنی - اختلالات گویایی، اختلالات یادگیری و... نیز وجود دارد که کودکان شب ادرار را رنج می دهد. گاهی اوقات همراه شب ادراری یا بر اثر شب ادراری، کودک به عارضه های روان تنی دیگری مانند انگشت مکیدن، ناخن جویدن لب گزیدن و دندان قروچه دچار می شود.

برخی از محققان در مطالعه کودکان و نوجوانان بزهکاری پی برده اند که بعضی از آنان در دوران طفولیت دچار این عارضه بوده اند. با کمی تأمل ملاحظه می شود که آشفتگی های روانی، بزهکاری و شب ادراری چون دایره های معیوب با یکدیگر در رابطه هستند و جای تعجب نیست که یک روان نامتعادل و متلاطم امکان این گونه اختلالات رفتاری را فراهم آورد.

مطالعات انجام شده روی کودکان در سن مدرسه نشان می دهد که قریب به اتفاق کودکان شب ادرار به " ناتوانی در خواندن"^{۱۷} دچار هستند. همچنین مشاهده شده است کودکانی که " به آتش بازی" و " آتش افروزی"^{۱۸} علاقه مند هستند، اغلب به این عارضه دچارند و این

مطیع اوامر مادرش باشد. مادر، او را خیلی دوست دارد ولی به واسطه شخصیت مخصوصی که فرزندش دارد گاهی صبر و حوصله اش سر می رود و در کارهای او زیاد دخالت می کند. این طفل طوری محدود بارآمده است که هرگز نمی تواند علناً مبارزه کند، لذا با اهمال و مسامحه کردن و کار امروز را به فردا افکندن، زودرنج بودن و قهرکردن، مقاومت منفی از خود نشان می دهد. در نتیجه، مادر نمی تواند از اظهار عدم رضایت از فرزندش خودداری نماید. در غالب موارد پسر از حمایت و پشتیبانی معنوی پدر، بهره مند نیست."

شیوه برخورد با کودکان مبتلا به شب ادراری

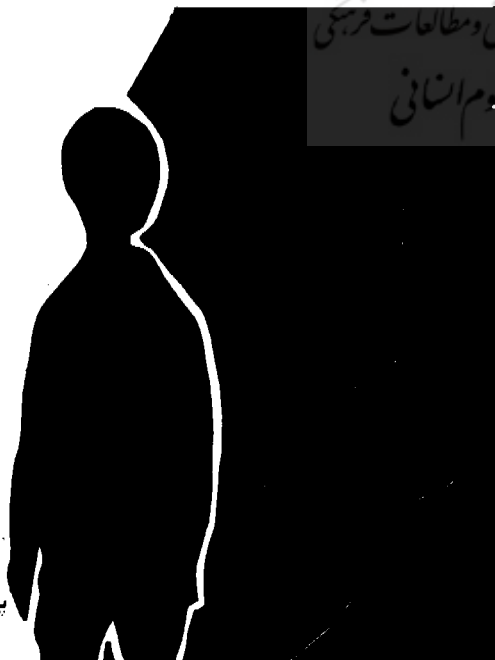
طرز برخورد با کودکان مبتلا به شب ادراری بسیار ظریف و دقیق است، به طوری که نحوه برخورد، آن قدر اهمیت دارد که اگر نادرست باشد، می تواند موجب افزایش دفعات شب ادراری و اگر درست باشد، موجب کاهش وجهه سایر طرف شدن آن شود. در این قسمت شیوه برخورد درد و بیخوش مورد مطالعه قرار می گیرد:

و به آن اهمیت نمی دهند. (کانر، ۱۳۴۴، ص ۲۹۶).

" حیوان آزاری " ویژگی رفتاری دیگری است که گاهی در این نوع کودکان ملاحظه می شود. این گونه کودکان نمی توانند آرام بنشینند آتش بازی می کنند، دم گریه را می کشند، به سگها، سنگ می پرانند و کارهایی از این قبیل از آنها سر می زند.

کودکان در برابر شب ادراری خود به شکل های گوناگون واکنش نشان می دهند. کودکی از تر کردن رختخواب خودش با آب و تاب تعریف می کند و به آن عمل افتخار می نماید. در این حالت معلوم می شود که او نسبت به این رفتار حساسیت دارد، منتهی در جهت علط. لذا بایستی جهت آن را قبل از این که تثبیت شود، تغییر داد. گاهی به هنگام صبح که مادر به سراغ کودک می رود و می بیند کودک جای خود را آلوده کرده است، او شروع به صحبت از پرنده های توی حیاط می کند و یا این که تر کردن رختخوابش را به دیگری (به طور معمول به خواهر یا برادر کوچکتر) نسبت می دهد، تا بدین ترتیب فکر مادر را منحرف کند. در این حالت معلوم می شود کودک متوجه شده است که این کار را نباید می کرده و از انجام آن احساس شرم و حیا می کند که این وضعیت مقدمه خوبی برای اصلاح رفتار کودک است.

یک روان شناس، پس از مصاحبه با یک پسر هشت ساله مبتلا به شب ادراری و مادر او چنین نتیجه گیری کرد: " این پسر از خودش چندان خاطر جمع نیست و به سهولت خود را قانع می سازد که شخص نالایقی است. این طفل از رقابت کردن با سایر اطفال و با مقاومت کردن در مقابل آنها وحشت دارد و میل دارد



الف - شیوه برخورد درست و مطلوب :

فشار می دهند .

۱ - مادر ویدر موضوع شب ادراری کودک را باهرکس درمیان نگذارند ، بخصوص با کسانی که مورد احترام کودک هستند .

۳ - مادر می کوشد رختخواب و لباسهای آلوده را در معرض دید همگان قرار دهد و دیدن ترتیب می خواهد موضوع را به همه بفهماند .

۲ - مادر ویدر سعی کنند موضوع را به روی کودک نیاورند و او را خجالت ندهند .

۴ - مادر ، کودک مورد نظر را به دفعات از آشامیدن مایعات بویژه درمهمانیها منع می کند و یا او را محروم می سازد . این شیوه برخورد نیز اثر نامطلوبی به جای می گذارد و موجب می گردد بین کودک و والدین مجادله صورت گیرد .

۳ - مادر ویدر به دیگران (اعضای خانواده) اجازه ندهند که کودک مورد نظر را مسخره کنند .

۵ - مادر ، کودک مورد نظر را روی رختخواب نامناسب ، مشمع و نظایر آن و یا در محلی جداگانه و مشخص می خواباند .

۴ - مادر ویدر بکوشند به طور غیر مستقیم به کودک مورد نظر محبت بیشتری ابراز دارند .

۶ - هر شب بلند کردن کودک و بغل کردن و بردن او به توالت نیز اثر معکوس می گذارد و این شبهه را در ذهن کودک مسلم می سازد که او هنوز طفل شیرخواری بیش نیست .

۵ - مادر رختخواب و لباسهای آلوده را حتی الامکان پنهانی خشک و تمیز کند . حتی باید ترتیبی داد که کودک خود به تعویض ملافه ها و لباسهایش اقدام کند .

۷ - مادر کودک را مجبور می کند لباسها و ملافه های آلوده اش را شخصا بشوید و بر روی بند لباس آویزان کند .

۶ - مادر سعی کند خود با چگونگی کار دستگاه دفع ادرار آشنا شود و نیز برای کودک نحوه کار کلیه ها ، مثانه و مجاری ادراری را تشریح کند .

روشهای اصلاح رفتار

ب - شیوه برخورد نادرست و نامطلوب :

هنگام رویارویی با کودک شب ادرار ، پس از بررسی نوع شب ادراری از نظر اولیه یا ثانویه قبل از هر اقدامی ، باید کودک را برای انجام معاینه های لازم به یک پزشک متخصص ارجاع داد تا بدین ترتیب در قدم اول از نظر وجود عوامل فیزیولوژیکی و اختلالات جسمانی مؤثر در پیدایش شب ادراری اطمینان خاطر حاصل

۱ - مادر ویدر تلاش می کنند موضوع شب ادراری کودک را به همه کس بگویند و آبروی کودک را ببرند .

۲ - مادر ویدر کودک را به هنگام خیس کردن بستر ، تنبیه جسمانی می کنند و صورت و بینی او را بازور به رختخواب آلوده می مالند و

— زمان شروع شب ادراری ، وضعیت کنترل دفع ادرار در گذشته ، دفعات شب ادراری وضعیت کنترل ادرار در شب و روز .

— وضع روانی کودک ، واکنشهای او هنگام شب ادراری ، واکنشهای والدین و اعضای دیگر خانواده در برخورد با کودک به هنگام شب ادراری .

— موقعیت و شرایط محیطی و فیزیکی خانه .
 — بررسی رفتار کودک در مدرسه و همبازیها .
 اگر برای یکایک عواملی که در بررسی علت‌های شب ادراری بر شمرده شد بتوان راه حلی یافت و یا اصولاً " به طریقی از پیش آمدن آنها پیشگیری کرد ، موفقیت در رفع شب ادراری کسب می شود و در نتیجه مقصود حاصل است .
 تجربیات نگارنده نشان می دهد ، در خانواده‌هایی که در آنها نامنی وجود دارد و از فقر فرهنگی نیز برخوردارند ، به نیازهای کودک توجه نمی شود و وجود تنبیه‌های جسمانی و برخورد های تند و خشن برای اصلاح و تربیت کودک موجب گسترش اختلالات رفتاری کودکان می گردد .
 مآء سفانه اینان برای پیشگیری و اصلاح شب ادراری کودکانشان به تنبیه کردن و حسیانه مانند داغ کردن آلت تناسلی و یا اطراف آلت تناسلی و نظایر آن متوسل می شوند که در نتیجه به ایجاد اختلالات رفتاری دیگر منجر می شود .

اغلب با آموزشهای ساده و توجه دادن والدین به نیازهای اساسی کودک^۷، می توان به سهولت شب ادراری ثانویه ، از نوع به کاربردن مکانیسم دفاعی بازگشت را اصلاح کرد . به طور معمول که کودک بزرگتر می شود و به سن بلوغ نزدیک می گردد ، وجود رقیب (کودک نوزاد) را با واقع بینی می پذیرد و لذا میزان

کرد . بدیهی است چنانچه بر اساس معاینه های بدنی و آزمایشهای بالینی مختلف ، علت شب ادراری فقط فیزیولوژیکی تشخیص داده شود باید از طریق خدمات پزشکی اقدام عاجل به عمل آورد . در غیر این صورت ، وجود شب ادراری بر اثر عوامل روانی یا محیطی است که روان شناس مری ، و با والدین کودک و با هر فرد حرفه ای دیگری که با کودک سروکار دارد می تواند با توجه به نکاتی که در زیر گفته می شود متمر ثم قرار گیرد و در جهت اصلاح رفتار کودک اقدام نماید .

مصابحه با کودک ، والدین ، اعضای خانواده و اطرافیان او و بازدید منزل به منظور آشنا شدن با روحیه کودک ، شرایط آموزشی و پرورشی و نحوه رفتار پدر و مادر از جمله فعالیت های اولیهای است که برای بهبود بخشیدن به وضع کودک بایستی آغاز کرد . شاید بی اغراق بتوان گفت که در این بخش قبل از این که روشهای اصلاح رفتار کودک مطرح گردد ، باید به روشهای اصلاح رفتار والدین اشاره کرد .
 به طور نمونه می توان با مهارت هر چه تاملتر در مصاحبه با کودک و والدین او و بازدید منزل از موضوع های زیر آگاهی حاصل کرد :

— مشخصات کودک و موقعیت خوابیدن کودک (خانه خود کودک ، خانه دوستان و هتل) .
 — مشخصات خانواده کودک (پدر و مادر تعداد خواهر و برادر) .

— چگونگی رفتار والدین با کودک .
 — چگونگی رفتار والدین و اعضای خانواده با یکدیگر .
 — بررسی وضعیت کیفی و کمی رشد ، بیماریها خواب و تکلم ، تغذیه و بازی کودک .
 — بررسی نوع شب ادراری از نظر اولیه یا ثانویه .

بیدار شود و به توالی برود. شایسته است همین جا گفته شود که این روشها واقعا "زمانی مفید خواهند بود که همزمان به بررسی، شناخت تشخیص و رفع عوامل روانی نیز پرداخت. در غیر این صورت این روشها مفید نخواهند بود و به بیماریهای روانی و اختلالات رفتاری دیگر می انجامد.

گروهی از این گونه کودکان بویژه پسران که موقع بازی، کنترل دفع ادرار را فراموش می کنند، بهتر است مادری یا پدر قبل از شروع بازی با آنها قرار بگذارند که کودک را ۱۵ ساعتی معین برای تجدید دیدار باوالدین، به خانه بازگردد، تا در این موقع کودک بازیگوش بتواند با اختیار در توالی به دفع ادرار بپردازد. توصیه می شود برای تشویق کودک مقداری خوراکی یا شیرینی به او داده شود.

اغلب والدین اظهار می دارند، هنگامی که آنها مشاخره یا دعوا می کنند، کودکان از سخنان آنان چیزی نمی فهمند، در حالی که برعکس، کوچکترین رفتار و گفتار والدین، مورد توجه کودکان قرار می گیرد. در این حالت شب ادراری یکی از واکنشهای اضطراب آمیز آنها نسبت به رفتار والدین است، زیرا که امنیت روانی کودکان به آسانی بر اثر دعوای پدر و مادر متزلزل می شود و آنها خود را در یک فضای ناامنی که ممکن است به جدایی پدر و مادر و تنهایی آنها ختم شود، احساس می کنند. متأسفانه عده ای از زن و شوهرها بر این باورند که نزاعهای کوچک، نمک زندگی است و شاید نمی دانند که این نمک مستقیماً "روی زخم کودکان را ریحته می شود و گاهی به شکل شب ادراری نمایان می گردد. بنابراین توصیه می شود والدین به اصلاح روابط خودشان

اضطرابهایش کاهش می یابد و این امر به کنترل دفع ادرار ختم می شود. در هر حال ساده ترین روشها، توجه و بررسی یکایک عواملی است که در بخش عوامل روانی و عوامل محیطی بر شمرده شد. به این ترتیب که با شناخت و رفع هر یک از عوامل مورد بحث، به سهولت می توان در جهت اصلاح رفتار این گونه کودکان به موفقیت نایل شد. به طور مثال گاهی کافی است والدین، طفل را محرمانه و به تنهایی تشویق کنند که شبها از بستر برخیزد و برای دفع ادرار به توالی برود. یا با روشن کردن چراغ کم نوری در توالی و یا گذاشتن ظرفی مناسب (لگسن) در نزدیکی اتاق کودک و روشهای مشابه به اصلاح رفتار او بپردازند.

عده ای از این گونه کودکان خواب های عمیق و سنگینی دارند. بنابراین یکی از روشهای رفع شب ادراری، روش شرطی کردن و پیشگیری از به خواب عمیق رفتن آنهاست. بدین منوال بایستی زمان ترک کردن رختخواب به طور تقریب مشخص شود، سپس به وسیله ساعت زنگ دار نیم ساعت قبل از وقت مشخص شده، کودک را بیدار کرد تا جهت دفع ادرار به توالی برود. لازم به یادآوری است که صدای زنگ ساعت نباید زیاد بلند باشد که موجبات بی خوابی دیگران را فراهم سازد. همچنین بهتر است ساعت، دورتر از رختخواب کودک قرار بگیرد تا هنگام زنگ زدن ناچار باشد برای خاموش کردن آن، از رختخواب خارج نشود. روش مشابه این روش، استفاده از تشک های مخصوصی است که با برق کار می کند و به محض تماس با رطوبت و وارد شدن اولین قطره ادرار، مدار الکتریسیته متصل شده و با زدن ضربه الکتریکی با به صدا درآوردن زنگ، موجب می شود کودک

بپردازند ، چه ، کودکان در این موارد کاملاً "هشیار و آگاه هستند .

اکنون روشی را که نگارنده در خلال کارورزی درمهد کودک مرکز رفاه خانواده جوادیه به‌طور مکرر مورد استفاده قرار داده و به‌نتایج مثبت رسیده است ، مورد ملاحظه قرار می‌دهیم .

همان‌طور که گفته شد ، پایه و اساس شب - ادرازی را به‌طور عمده عوامل روانی تشکیل می‌دهند و از میان عوامل روانی عامل مکانیسم دفاعی سیر قهقرایی ، مورد توجه قرار نگرفتن و یا مورد محبت واقع نشدن در کنار سایر عوامل از اهمیت بیشتری برخوردارند . لذا اگر به‌طریقی این عوامل مرتفع شوند ، در اصلاح رفتار این‌گونه کودکان موفقیت حاصل خواهد شد .

روشی که مورد نظر است ، زمانی مفید واقع

خواهد شد که پدر و مادر در نحوه رفتارشان با یکدیگر و با کودک تحدید نظر کنند و به‌شیوه‌های صحیح برخورد با فرزندشان توجه کنند و بخواهند که شب ادرازی کودکان اصلاح شود و بهبود یابد . پس از انجام مصاحبه توسط روان شناس ، مربی و یا مددکار اجتماعی با پدر و مادر و کودک شب ادرازی (به تنهایی و با یکدیگر) آشنا شدن با روحیه ، شرایط و موفقیت کودک و خانواده اش ، به شرح زیر عمل کنید .

جدولی به قطع تقریبی سی سانتی متر در پنجاه سانتی متر از مقوای سفید تهیه نمایید . مثل جدول صفحه بعد خط‌کشی کنید و مشخصات کودک را روی آن بنویسید . پس از انجام مصاحبه‌های اولیه و شناسایی عوامل روانی تشکیل دهنده شب ادرازی ، روان شناس و یا



بستر می رود ، مادر یا پدر و یا هر دو با او هر چه بیشتر ارتباط کلامی برقرار می کنند و با حرفهای محبت آمیز مانند : ما تورا دوست داریم ، تو بچه خوبی هستی و . . . او را ترک می کنند و بدین ترتیب در کودک مورد نظر " امنیت روانی " به وجود می آورند .

در حال آنچه که می توان به عنوان بهترین توصیه ها ارائه کرد این است که والدین با نیازهای کودک به طور اعم و نیازهای عاطفی او به طور اخص ، فرایند رشد و تکامل در کودک و شیوه های درست برقراری رابطه با کودک ، بایستی آشنا شوند .

در خاتمه شایسته است تذکر داده شود که هر روشی متناسب با سن ، موقعیت و شخصیت کودکی خاص است و نمی توان فرمولی کلی ارائه کرد . چه بسا اتخاذ روشی برای یک کودک مفید و برای کودک دیگری مضر و یا بی ثمر باشد .

مددکار اجتماعی با کودک شب ادرار محرمانه ، صمیمانه و صادقانه در حضور والدین یا مادر صحبت می کند و قرار می گذارند که کودک هر شب که جایش را آلوده نکرد مادر در قسمت مربوط به آن شب یک علامت ضربدر (مثلا " با خودکار قرمز) بزند ، یک ستاره و یا یک گل بکشد . به همین ترتیب این کار را به مدت دو هفته ادامه می دهند . در پایان هفته دوم ، هر قدر تعداد ضربدرها ، ستاره ها و یا گلها بیشتر باشد ، برای کودک ، جایزه جالب ، مناسب و مورد علاقه اش تهیه شده ، (به طور مثال اسباب بازی ، کفش ، لباس و یا وسایل ورزشی) توسط شخص مورد علاقه و احترام کودک به او داده می شود .

بدین ترتیب کودک به احساس " وجود داشتن " می رسد . همزمان هر شب که کودک به

13- Reading Disability

14 - Pyromania

15- Bissell



16 - Pototzky

" از محبت خاها گل می شود "

حاصل تلاش و اراده . . .

نام : نام خانوادگی :

۱۷ - مراجعه کنید به منابع زیر :
- به پژوه ، احمد (۱۳۴۸) . چهل و یک نکته در برقراری رابطه انسانی با کودک ، صفحه ۲۱ - ۲۶ در سه گفتار و یک آزمون . قاسم قاسمی تهران : مرکز نشر سپهر .
- به پژوه ، احمد (۱۳۴۳) . کودکان فرشتگان روی زمین : برقراری رابطه انسانی با کودک . مجله پیوند ، شماره ۶۳ ، صفحه ۲۲۹ - ۲۳۱
- به پژوه احمد (۱۳۶۰) . انعکاس رفتار : کودکان چگونه رفتاری کنند ؟ همان طور که با آنها رفتار می شود . مجله پیوند ، شماره ۲۹ ، صفحه ۲۶ - ۲۷
- شفیع آبادی ، عبدالله (۱۳۵۸) . فنون تربیت کودک : راهنمای والدین . مصلحان و مشاوران . تهران : انتشارات جهر .
- گوردین ، توماس (۱۳۵۶) . پرورش کارایی والدین ، ترجمه انور بغدادی . تهران : بهنگاه ترجمه و نشر کتاب .

شماره	تاریخ	کیشنه	مدرسه	سرسینه	جایزه	تاریخ	تاریخ
	تاریخ :	تاریخ :	تاریخ :	تاریخ :	تاریخ :	تاریخ :	تاریخ :
							
	تاریخ :	تاریخ :	تاریخ :	تاریخ :	تاریخ :	تاریخ :	تاریخ :

نمونه جدول اصلاح رفتار

- ۱۴ - الغدیر ج ۱ ص ۷۲ - ۶۲ - تابعین آنانند که خود پیامبر (ص) را ندیده‌اند اما یک یا چند تن از اصحاب آن حضرت را دیده‌اند " فرید وجدی " .
- ۱۵ - سوره مائده آیه ۶۷ . ای پیامبر، برسان آنچه از پروردگارت بر تو فرود آمده است وگرنه رسالت خدای را به جا نیاورده‌ای و خداوند ترا از - گزند - مردم در امان دارد .
- ۱۶ - علامه امینی در " الغدیر " سی نفر از شاهپیر اهل تسنن را نام می‌برد که همه اعتراف کرده‌اند این آیه درباره علی (ع) نازل شده است .
- ۱۷ - الغدیر ج ۱ ص ۲۱۴ به نقل از کتاب الولاية طبری
- ۱۸ - الغدیر ج ۱ ص ۱۵۹ به بعد
- ۱۹ - ۲۰۰ نفر از ایشان از اصحاب بودند .
- ۲۰ - در کتاب ارحمند " الغدیر " ج ۱ ص ۲۱۳ - ۱۵۹ ، ۲۲ احتجاج در این زمینه آمده است .

بقیه از صفحه ۴۴

- ۴ - توکل
برعهده دارد وجود این خصوصیت ، نهایت
ضرورت را دارا ست .
از سوی دیگر مخالفت با مشاور نتیجه ای جز
کسیختگی شالوده مشاوره نخواهد داشت ، یعنی
ثمره و بهره مستشیر از مشورت ، سرگردانی ،
حیرت و پشیمانی خواهد بود و در واقع کل جریان
مشاوره با شکست مواجه خواهد شد .
- پس از تعیین صلاحیت مشاور و اخذ تصمیم و
رسوخ عزم از سوی مستشیر ، موقعیت عملی فراهم
شده است . بنابراین تبعیت و پیروی از مشاور و
اعتماد به وی ، در راستای اطمینان و نگاه به
خداوند می باشد .
توکل مستشیر علاوه بر ایجاد امنیت خاطر و
آرامش روانی ، وی را همراه و ملتزم و مطیع مشاور
می کند ، بویژه در شرایطی که مشاور ، نقش رهبر را
- (۱) مناهج انوار المعرفه - جلد اول
صفحه ۵۱۴

